

فهم تجربه زیسته افراد کارتن خواب در شهر تهران^۱

اکبر بخشی نیا* ، حبیب آقا بخشی** ، سعید ذکایی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۷

چکیده

در دو دهه اخیر نوع خاصی از بی‌خانمانی که کارتن خوابی نام گرفته، در کشور ما و به ویژه در کلانشهر تهران پدیدار شده و مورد توجه قرار گرفته است. کارتن خوابی به نظر کارشناسان اجتماعی ضمن آنکه مسئله اجتماعی تلقی می‌گردد، می‌تواند تبدیل به آسیب اجتماعی شود. کارتن خوابی نشانه و برآیندی از وجود سایر مسایل و آسیب‌های اجتماعی در جامعه است. هدف این مطالعه، رسیدن به درک و فهمی از تجربه زیسته افراد کارتن خواب و کشف و استخراج نظریه از درون این تجربیات و ترسیم پارادایم مربوطه، شامل مناسبات متقابل میان شرایط (ساختار)، عمل (فرآیند) و

۱- این مقاله برگرفته از بخشی از رساله دکتری تخصصی مددکاری اجتماعی اکبر بخشی نیا، با عنوان "فهم تجربه زیسته افراد کارتن خواب و آرایه الگوی توانمندسازی با رویکرد مددکاری اجتماعی برای آنان" است. رساله مورد حمایت شهرداری تهران (مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران) بوده است. * دانشجوی دکتری مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

akbar.bakhshinia@gmail.com

** دانشیار مددکاری دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، تهران (نویسنده مسؤل).

haghbakhshi7@gmail.com

saeed.zokaei@gmail.com

*** استاد پژوهشگری دانشگاه علامه طباطبائی.

پیامدها بود. پژوهش از نوع کیفی و به روش نظریه زمینه‌ای (GT) است. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق و نیمه ساختارمند با مردان کارتن خواب در سطح شهر تهران، طی سال‌های ۱۳۹۵ و ۹۶ جمع‌آوری شد. روش نمونه‌گیری هدفمند و با حجم نمونه ۳۴ نفری به اشباع نظری رسید. داده‌ها به روش استراوس و کوربین و طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری، گزینشی تحلیل شد.

برزخ گسستگی-وابستگی، مقوله محوری است که بیانگر گسستگی فرد از جامعه، خانواده و منابع حمایتی و پیوستن او به گروه ناهنجار کارتن خوابی برای جبران فقدانها و محرومیت‌هاست. کارتن خوابها در برخورد با این پدیده، راهبردهای بقاء‌گرایی، تداوم و برونرفت را دنبال کرده و پیامدهای آنها را نیز متحمل می‌شوند. نتایج نشان می‌دهند کارتن خوابی در بستری از عوامل کلان و ساختاری در تعامل با عوامل فردی شکل می‌گیرد. رهایی از آن نیاز به تغییر شرایط اجتماعی این افراد دارد و شخص کارتن خواب عامل فعالی در این فرایند می‌تواند باشد.

واژه‌های کلیدی: بی‌خانمانی، کارتن خوابی، سوء‌مصرف مواد، تجربه زیسته، توانمندسازی

بیان مسئله

بی‌خانمانی^۱ در ادبیات علوم اجتماعی طیف وسیعی از افراد و گروه‌ها را در برمیگیرد. چنانچه کسانی که در سوانح طبیعی همچون سیل و زلزله، خانه وکاشانه خود را از دست می‌دهند؛ یا کسانی که به علت فقر شدید نتوانسته‌اند برای خود مسکن و سرپناهی تهیه نمایند، بی‌خانمان نامیده می‌شوند. اما دسته دیگری از افراد بی‌خانمان وجود دارند

که تحت تأثیر نا بسامانی‌های اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی، به ویژه سوء مصرف مواد^۱، به "کارتن خوابی"^۲ کشیده شده‌اند. بدیهی است این دسته از بی‌خانمان‌ها به لحاظ ویژگی‌های فردی، رفتاری، شخصیتی و شرایط اجتماعی کاملاً متفاوت از دسته‌های دیگرند. اما در ادبیات آسیب‌های اجتماعی معمولاً واژه بی‌خانمان درباره آنان نیز بکار برده می‌شود. همچنین از واژه بی‌سرپناه^۳، معناد خیابانی، خیابان خواب^۴ هم استفاده می‌گردد. گرچه صرفِ کارتِن خوابی را نمی‌توان آسیب اجتماعی دانست، اما می‌تواند منجر به آسیب اجتماعی شود، یا آسیب‌های اجتماعی مختلفی را در پی داشته باشد.

وجه مشخصه بی‌خانمانی و کارتِن خوابی، "بی‌سرپناهی" یا فقدان "مسکن شخصی مناسب" است که آن هم رابطه مستقیمی با فقر دارند. "فیلیپس" می‌گوید لازم است بین مقولات مختلف بی‌خانمانی تمایز قایل شد. ابتدا، "بی‌سرپناهی" که افرادی را در بر می‌گیرد که هیچ سقفی بالای سرشان ندارند، این افراد در خیابان‌ها، پارک‌ها، زیر درخت‌ها و پل‌ها می‌خوابند. "کارتِن خوابی" نمونه‌ای از خوابیدن در خیابان است. مفهوم بعدی "بی‌خانمانی" است. این مفهوم در برگیرنده کسانی است که در داخل اتوموبیل‌های اسقاطی، چادرها، آلونک‌ها، یا جاهای دیگری زندگی می‌کنند و مکان اقامتشان به لحاظ شکلی دارای سقف و سرپناه است. مفهوم سوم، "مسکن عاریه‌ای" است و افرادی را در بر می‌گیرد که اختیار و مالکیتی بر آن مکان ندارند. هم چنین افرادی را شامل می‌گردد که در مهمان سراها و خوابگاه‌های بهزیستی (سازمان‌های رفاهی) و یا اماکن متروکه به سر می‌برند (Philipps, ۲۰۱۲: ۶, as quoted by Smith and Ravenhill, ۲۰۰۷).

-
۱. drug abuse
 ۲. sleeping rough
 ۳. roofless
 ۴. street sleeper

"محمدخانی" در ترجمه کتاب "بی‌خانمانی و سیاست‌گذاری اجتماعی"، افراد کارتن خواب را معادل "people sleeping rough" قرار داده و توضیح می‌دهد معنای این اصطلاح، خوابیدن در خیابان، کوچه، کنار سطل زباله، مکان‌های گرم یا جاهای دیگری که سکونتگاه انسانی محسوب نمی‌شود است. این مکان‌ها آخرین پناهگاه افراد بی‌خانمان می‌باشند (باروز و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۷). از منظر شهرداری تهران (سازمان رفاه، خدمات و مشارکت اجتماعی، ۱۳۹۰)، افراد بی‌خانمان به کسانی اطلاق می‌شود که معمولاً در معابر و اماکن عمومی به صورت شبانه روزی یا صرفاً شبانه زندگی می‌کنند و دارای ویژگی‌های ذیل می‌باشند: متکدیان، کارتن خواب‌ها، افراد بی‌سرپرست و طرد شده از خانواده، افراد گمشده و سرگردان، افراد در راه مانده و امثال آن (کلاتری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱).

در خصوص تعداد افراد بی‌خانمان در سطح جهان آمار دقیقی وجود ندارد، اما به گزارش "دفتر اسکان بشر سازمان ملل متحد"، در جهان بیش از یک میلیارد نفر بی‌خانمان یا افرادی که در محیط و سکونتگاه‌های نامناسب زندگی می‌کنند، وجود دارند (دغاقله و کلهر، ۱۳۸۹: ۴۲). همچنین بنا به نظر پارکر هرشب در آمریکا، بیش از ۶۵۰۰۰۰ نفر بی‌خانمان در خیابان‌ها، سرپناه‌ها و یا برنامه مسکن گذری به سر می‌برند (Parker, ۲۰۱۲: ۱). در ایران، اگر چه آمار دقیقی درباره کارتن خواب‌ها وجود ندارد، اما بنا به گفته مسئولان شهرداری تهران در حال حاضر بیش از ۲۰۰۰۰ کارتن خواب در تهران وجود دارند که گفته می‌شود حدود ۲۰۰۰ نفر آنان را زنان تشکیل می‌دهند (دانشور، ۱۳۹۴)^۱. امروزه وجود نوع خاصی از افراد بی‌خانمان یا به اصطلاح "کارتن خواب‌ها"^۲ (دسته‌ای از بی‌خانمان‌ها که در این پژوهش مورد نظر است)، در برخی محلات و مناطق شهر تهران و دیگر کلانشهرهای کشور کاملاً مشهود است.

۱- فاطمه دانشور، عضو شورای شهر تهران، ۶ خرداد ۱۳۹۴ (۲۴۴۲۲۳) Namehnews.ir/F a/news

در هر جامعه‌ای، افراد بی‌خانمان عموماً آسیب پذیرترین و حاشیه‌ای ترین گروه‌های جامعه شهری به حساب می‌آیند که توانایی اندکی برای سازماندهی طبیعی زندگی‌شان دارند. شرایط خاص زندگی آنان، تمام فرصت‌ها برای مشارکت مثبت در زندگی اجتماعی را از میان برده و آنان را در خارج از شبکه پیوند اجتماعی قرار می‌دهد (صدیق سروستانی و نصر اصفهانی، ۱۳۸۹: ۲). با بهره‌گیری از نظریه میلز می‌توانیم کارتن خوابی را، هم یک "مشکل فردی" و هم یک "مسئله عمومی" بدانیم (Mills, ۱۹۵۹: ۶). برای تشخیصی که دچار کارتن خوابی هستند مشکل فردی به حساب می‌آید. اما از آن جایی که کارتن خوابی در جامعه ما، افراد زیادی را گرفتار کرده و موجبات نگرانی و ناراحتی جامعه اصلی را فراهم آورده، مسئله اجتماعی و عمومی است. از سوی دیگر، افراد کارتن خواب با مشکلات و چالش‌های متعددی، از جمله نداشتن سر پناه، احساس ناامنی، عدم تغذیه مناسب، فقدان نظافت و بهداشت، طرد، تبعیض، تحقیر و مانند آن روبرویند. برخی از مسایل کارتن خوابی در سطح عمومی و اجتماعی، شامل زشت کردن چهره شهر، کاهش احساس امنیت شهروندان و تهدید امنیت روانی، ذهنی و عینی جامعه و ایجاد مشکل در مدیریت شهری است.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند پدیده کارتن خوابی ریشه‌های ساختاری داشته و محصول ناکارآمدی نهادهای اجتماعی، عدم توسعه یافتگی و گسترش فقر و اعتیاد و دیگر آسیب‌های اجتماعی است. به موازات مسئله شدن کارتن خوابی، سازمانهای دولتی و غیر دولتی مختلفی از جمله شهرداری، بهزیستی، نیروی انتظامی و نیز تشکلهای اجتماعی مردم نهاد و خیریه به این مسئله ورود کرده و برنامه‌های مختلفی را برای برخورد با این پدیده و ساماندهی کارتن خواب‌ها اجرا نموده و یا در حال اجرا هستند، اما با وجود هزینه کردن منابع مالی قابل توجه، نتایج چندان رضایت بخشی نداشته‌اند.

معمولاً کارتن خواب‌های غیرمعتاد که بخش قابل توجهی از آنان را کارگران مهاجر فصلی و موقت تشکیل می‌دهند (بر اساس

مشاهدات میدانی پژوهشگر و آمار گرمخانه‌های تهران)، در کنار کارتن خواب‌های معتاد و در جوار هم زندگی می‌کنند. در واقع، شرایط بی‌سرپناهی و احساس بی‌پناهی آنان را در کنار یگدیگر قرار داده است. از این رو، افراد کارتن خواب غیرمعتاد، علاوه بر مشکلاتی که داشته و دارند، در معرض آلودگی به مواد، دیگر آسیب‌ها و انحرافات هم قرار داشته و می‌توانند برای جامعه و دیگران نیز آسیب‌زا شوند.

به طور کلی، ما شناخت درستی از پدیده کارتن خوابی نداریم و این پرسش کلی مطرح است که این افراد چه تجربه زیسته‌ای دارند؟ و بدنبال آن پرسش‌های دیگری مطرح می‌شوند، از جمله این که آنان چگونه زندگی می‌کنند، چگونه نیازهای خود را برآورده می‌سازند، ارتباطات اجتماعی شان چگونه است؟ چه عواملی این افراد را به سوی کارتن خوابی سوق داده است؟ نقش عوامل ساختاری و عوامل فردی در این پدیده چیست؟ این افراد در مواجهه با کارتن خوابی خود، چه راهبردهایی اتخاذ می‌کنند، و این راهبردها برای آنان چه پیامدهایی دارد؟ هدف کلی این پژوهش، شناخت دقیق‌تر پدیده کارتن خوابی، ارایه تصویری کامل‌تر از آن و درون‌فهمی تجربه زیسته افراد کارتن خواب است. آگاهی و شناخت این پدیده، به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان این حوزه کمک می‌کند تا درخصوص ساماندهی و توانمندسازی افراد کارتن خواب رویکردهای مناسبتری اتخاذ نموده و موفق‌تر عمل کنند.

مروری بر پیشینه پژوهش

الف - پژوهش‌های داخلی:

- "اعتیاد، طرد اجتماعی و کارتن خوابی در شهر تهران" صدیق سروستانی و نصر اصفهانی (۱۳۸۸) به روش کیفی و با روش نظریه زمینه‌ای و با استفاده از "رویکرد مسیر" به جستجوی علل و ریشه‌های کارتن خوابی در شهر تهران پرداخته‌اند. در این تحقیق سه عامل (اعتیاد، طرد اجتماعی و مهاجرت) در شکل‌گیری مسیر بی‌خانمانی

مشخص گردیده و تأکید شده است هر یک از این سه عامل به تنهایی منجر به کارتن خوابی نمی‌شوند، بلکه ترکیبی از این عوامل همراه با پیشینه‌ای از محرومیت اجتماعی می‌تواند در نهایت موجب گسست فرد از روابط خانوادگی و دوستانه شده و او را مجبور کند تا زندگی در خیابان‌ها و مکان‌های عمومی را برگزیند.

- "جامعه‌شناسی افراد کارتن خواب ساکن شهر تهران (۱۳۸۹)، پژوهشی است که به روش پیمایشی و مقطعی توسط "علی‌وردی نیا" انجام شده است. جمعیت مورد مطالعه تمام افراد کارتن خواب ساکن در اقامتگاه‌های موقت شبانه در شهر تهران بوده‌اند. پژوهش نشان می‌دهد که میان متغیرهای شبکه اجتماعی و پیوستگی به خانواده با کارتن خوابی و نیز فرضیات مربوط به وجود رابطه مستقیم میان متغیرهای سوء مصرف مواد و قربانی شدن رابطه معکوس وجود دارد.

- "سیاست‌گذاری در مواجهه با پدیده کارتن خوابی" (۱۳۹۲)، این پژوهش به صورت مروری توسط "کلاتری و همکارانش" انجام شده است. هدف این پژوهش تدقیق مفهوم بی‌خانمانی و تشریح ابعاد آن، مرور تجربیات داخلی و خارجی، تحلیل وضعیت بی‌خانمانی در شهر تهران، و ارائه خطوط کلی سیاست‌گذاری در حوزه مواجهه با بی‌خانمانی بوده است. در این پژوهش با توجه به نتایج بدست آمده، سه جهت‌گیری سیاستی کلی، یعنی خدمات انسانی، قهری و ترکیبی را می‌توان از هم باز شناخت. پژوهشگران، سیاست آن موقع در شهر تهران (سال ۱۳۸۹) را ترکیبی دانسته‌اند.

- "آسیب‌های شهری در تهران"، پژوهشی است که توسط "دغاقله" و "کلهر" (۱۳۸۹) به صورت فرا تحلیلی انجام شده است.

در این مطالعه، به آسیب‌های اجتماعی بر مبنای دو عامل بنیادین فقر شهری و کاهش همبستگی، طبقه بندی و اشاره شده است
این آسیب‌ها از نظر عوامل مولد و ریشه‌ها نزدیکی بیشتری به جرایم شهری دارند.

- "بررسی عملکرد شهرداری تهران و نقش مشارکت اجتماعی در حوزه مدیریت آسیب‌های اجتماعی شهری"، "پروین و بابایی" (۱۳۹۲). مطالعه مهاجرت جوانان روستایی جویای کار به شهرها و اشتغال آنان در بخش غیر رسمی کارگری و وضعیت کارگران مهاجر فصلی در شهر تهران از ویژگی‌های این پژوهش است و کارگران فصلی و کارگران شهری مهاجر که در خیابان و یا گرمخانه می‌خوابند یا به سر می‌برند، کارتن خواب در نظر گرفته شده‌اند.

- "بررسی وضعیت امید به زندگی زنان بی‌خانمان شهر تهران" توسط "سفیری" و "خادم" (۱۳۹۲) انجام شده است. یافته‌ها حاکی است که "بی‌خانمانی" با "وضعیت امید به زندگی" زنان بی‌خانمان موضوع این تحقیق، بوسیله راهبردهایی چون "درونی شدن آسیب‌های اجتماعی"، "احساس ناکامی و حقارت"، و "میل به مردن"، از رابطه معناداری برخوردار است.

- "سالار زاده امیری و محمدی" (۱۳۹۰) به بررسی "عوامل اجتماعی، اقتصادی مؤثر بر بی‌خانمانی افراد بی‌خانمان" پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بین جامعه بی‌خانمان و با خانمان تفاوت معناداری در متغیرهای حمایت اجتماعی، حمایت عاطفی، اعتماد اجتماعی، وضعیت اشتغال و درآمد اجتماعی وجود دارد.

- "بررسی تجربه زیسته مصرف‌کنندگان بی‌خانمان"، پژوهش کیفی و به روش نظریه زمینه‌ای، "جوادی" و "پیلهوری" (۱۳۹۶). در این پژوهش که فقط بی‌خانمان‌های مصرف‌کننده مواد (کارتن خواب‌های معتاد) را در بر می‌گیرد، آمده است. "مردمی که به چرخه بی‌خانمانی وارد یا از آن خارج می‌شوند، غالباً همزمان به چرخه سوء مصرف مواد نیز وارد و یا از آن خارج می‌شوند".

ب- پژوهش‌های خارجی:

- "گاتلین" عقیده دارد برای شناخت بهتر ادراکات کسانی که دوره‌های بی‌خانمانی را تجربه می‌کنند، مهم است بی‌خانمانی را در چارچوب تاریخی آن بفهمیم

(Gatlin, ۲۰۱۴: ۲۴). او در پژوهش خود به توصیف تجربه زیسته ۱۰ مرد بی‌خانمان که توانسته‌اند از بی‌خانمانی به خود کفایی برسند، پرداخته است. یافته‌ها اشاره دارند که بدست آوردن منبع درآمد قابل اتکاء، استقامت و ایمان شخصی، عوامل مهمی در دستیابی به خودکفایی هستند (Gatlin, ۲۰۱۴: ۱۳۰).

- "واشینگتن" با روش نظریه زمینه‌ای به بررسی الگوهای سوء مصرف مواد در بین جوانان بی‌خانمان^۱ در آمریکا می‌پردازد. مقوله هسته‌ای در این پژوهش "مصرف مواد" است (Washington, ۲۰۰۹: ۱۱). مصرف مواد بر تصمیم این جوانان بی‌خانمان در ترک خانه، شکل دادن روابط با افراد بی‌خانمان و معتاد و یافتن شیوه‌های گذران زندگی در خیابان، تأثیر جدی داشته است.

- "مورای"^۱ (۲۰۰۳) می‌گوید طبیعت بی‌خانمانی می‌تواند به سه شیوه ساختاری، شخصی و اتفاقی توصیف شود. او در تقسیم‌بندی دیگری به شکل‌های دیگر بی‌خانمانی، از جمله: بی‌خانمانی مزمن، دوره‌ای، فصلی یا متناوب (نوبه‌ای)، حاشیه‌ای و واقعی (افرادی که سرپناه دائمی یا جایی برای زندگی دائمی ندارند) اشاره دارد (۱۲, ۱۳ Washington, ۲۰۰۹:).

- "گوتلیب"^۲ معتقد است که فقدان حمایت اجتماعی، انزوای اجتماعی و طرد شدگی از عوامل مهمی هستند که افراد بی‌خانمان تجربه می‌کنند. فقدان شبکه‌های عاطفی و حمایتی و خانوادگی است که موجب می‌شود افراد در معرض بی‌خانمانی قرار گیرند و تنها راه بازسازی زندگی این افراد نیز از طریق همین شبکه‌هاست (سالار زاده، ۱۳۹۰: ۶).

- "کوگل"^۳ (۱۹۹۶) علل بی‌خانمانی را به دو دسته جنبه‌های ساختاری و آسیب‌پذیری فردی تقسیم می‌کند. به نظر او، بی‌خانمان‌ها با مشکلات زیادی روبرویند. کمبود

۱. Murray, 2003

۲. Gottleab, 2001

۳. Koegl

فهم تجربه زیسته افراد کارتن خواب در شهر تهران ۲۲۳

عاطفی و ایمنی و نداشتن سرپناه و محل زندگی مناسب، آنان را در عرصه عمومی نیز با نوعی بیهودگی و سرخوردگی اجتماعی مواجه می‌کند (سالار زاده، ۱۳۹۰: ۷، به نقل از استیویس^۱، ۱۹۹۸).

- "کاریگان و واتسن" (۲۰۰۵)^۲ بین انگ منفی عمومی و انگ منفی شخصی تمایز قایل شده‌اند. انگ عمومی اشاره به نگرش‌های قالبی و قضاوت‌هایی دارد که توسط جامعه درباره افراد انگ خورده و برای خوارشماری و طرد آنان از جامعه بکار برده می‌شود. انگ منفی شخصی، اشاره به درجه‌ای دارد که افراد انگ خورده این قضاوت‌ها و نگرش‌های قالبی را درونفکنی کرده و آنها را برای خوارشماری خود و طرد خودشان بکار می‌برند (Mayor, ۲۰۰۱: ۱۹).

- بر طبق نظر "گلاسر و بریجمن" (۱۹۹۹)^۳، دو مکتب فکری چرایی کارتن خوابی در جامعه وجود دارد. مکتب اول بر عوامل آسیب شناسی فردی به عنوان ریشه‌های بی‌خانمانی تأکید دارد. مکتب دوم بر عوامل ساختاری اجتماعی یا کمک کننده‌ها به بی‌خانمانی تمرکز دارد. اخیراً این دو مکتب فکری به یکدیگر نزدیک شده و "فرد در جامعه" را به عنوان فرد محروم در زمینه اجتماعی اش بررسی می‌کنند (Mayor, ۲۰۰۱: ۱۹).

- "آکاستا و تورو" (۲۰۰۹)^۴ به نیاز سنجی افراد بی‌خانمان پرداخته و دریافته‌اند که متغیرهای اجتماعی، جمعیت شناختی و عوامل محیطی و کارکردی، همچون فشار روانی، حمایت اجتماعی و بهداشتی، مهمترین شاخص‌های استفاده از خدمات هستند (Thomas, S.D, ۲۰۰۹: ۳۶-۳۷).

۱. Steeves, 1998

۲. Carrigan and Watson, 2005

۳. Glasser and Bridgman, 1999

۴. Acosta & Toro, 2004

- جهت بررسی نیازهای افراد بی‌خانمان مزمن، "بیمر و هوجز" (۲۰۱۴) پژوهشی کیفی در "بلومینگتون" کالیفرنیا انجام دادند.

مشارکت کنندگان در این پژوهش ۱۱ نفر نمونه از افراد بی‌خانمان مزمن بودند. مشخص شد که مشارکت کنندگان نیاز به خدمات اجتماعی و مراقبت پزشکی و دندانپزشکی دارند، اما بخشی از این خدمات در دسترس نبود یا کفایت نمی‌کرد (Beamer and Hodges, ۲۰۱۴: ۲, as quoted by Roosi, ۱۹۹۱).

- "راونهییل" در پژوهشی با عنوان "فرهنگ بی‌خانمانی: یک مطالعه مردم نگارانه"، فرهنگ بی‌خانمانی را در تقابل با جامعه اصلی می‌بیند. هدف اصلی این پژوهش داشتن نگاه تازه‌ای به شخص بی‌خانمان، به ویژه کسی که به طور طولانی مدت بی‌سرنهاده بوده است، می‌باشد. این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه فرهنگ بی‌خانمانی از طریق افرادی که توسط جامعه اصلی به بی‌خانمانی سوق داده شده‌اند، به مثابه فرهنگ تقابلی شکل می‌گیرد (Ravenhill, ۲۰۱۴: ۱۶۲).

- "لیندسنی" در رساله اش که درباره هویت است، می‌نویسد اولین مطالعه مردم نگارانه درباره "هویت‌های بی‌خانمانی" توسط "اسنو و آندرسون" (۱۹۸۷)^۱ انجام شد و آنان نتیجه گرفتند که سه مرحله هویت سازی در میان افراد بی‌خانمان وجود دارد: (a) "فاصله گرفتن" از جمع خودشان به عنوان بی‌خانمان، (b) "پذیرش" جمع خودشان به عنوان بی‌خانمان، (c) "افسانه گویی" (Lindsney, ۲۰۱۴: ۸).

- "کوپر" (۲۰۰۴)^۲ در کتابش با عنوان "مزاحمت"^۳، رابطه بین هنجارهای اجتماعی و اصول سازماندهنده نابرابری را با تمرکز ویژه بر آسیب بررسی کرده و خاطر نشان می‌کند که چگونه این تمایل وجود دارد که سازه "مزاحمت" که کیفیات عادی

۱. Snow and Anderson, 1987

۲. Cooper, 2004

۳. nuisance

فهم تجربه زیسته افراد کارتن خواب در شهر تهران ۲۲۵

سازی قوی‌ای دارد، بر علیه گروه‌های به حاشیه رانده شده به کار گرفته شود (Robinson, ۲۰۱۳: ۹۳-۹۴).

- "مورگان" در پژوهش خود در انگلستان به نام "فرار از بی‌خانمانی"، تجربه زنده ۵ مردی را که از بی‌خانمانی رهایی یافته بودند، با استفاده از تحلیل پدیدارشناسی تفسیری بررسی کرد. مقولات ظاهر شده در این پژوهش، شکست در زندگی، تصمیم به تغییر، گذشته بد، زمان حال خوب و آینده بهتر بودند. در این پژوهش، فرار از بی‌خانمانی بر حسب تغییر هویت، به ویژه نیاز به اصلاح هویت درهم شکسته افراد بی‌خانمان مورد بحث قرار می‌گیرد (Morgan, ۲۰۱۱: ۹).

- "لیون کالو" (۲۰۰۰)^۱ معتقد است پزشکی سازی بسیاری از پژوهش‌هایی که در زمینه بی‌خانمانی صورت گرفته، از جمله کاستی‌های مهم در این حوزه مطالعاتی می‌باشد. پزشکی سازی فرایندی است که در آن، مشکلات غیر پزشکی به نوعی تعریف می‌شود که گویی مسئله‌ای پزشکی است. در این گفتمان، به جای پرداختن به ریشه‌های اجتماعی اقتصادی بی‌خانمانی، بر درمان پزشکی اختلالات مشاهده شده در بی‌خانمان‌ها تمرکز می‌شود (علیوردی نیا، ۱۳۸۹: ۷۰).

نقدی بر پژوهش‌های مطرح شده: پژوهش‌های داخلی در سال‌های اخیر، از زوایای مختلفی به پدیده کارتن خوابی و افراد کارتن خواب پرداخته و وجوه گوناگون آن را آشکار ساخته‌اند. این پژوهش‌ها اغلب، نگاه از بیرون (اتیک) و نه نگاه از درون (امیک) به این پدیده و این افراد داشته و در نتیجه راه حل‌های ارایه شده نیز از منظر سازمان‌های اجرایی می‌باشد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند هنوز درباره تعریف و یا شاخصه‌های کارتن خوابی اجماعی حاصل نشده است.

پژوهش‌های خارجی نشان می‌دهند کارتن خوابی پدیده جهانی شده، اما ابعاد، وسعت و شکل‌های آن در جوامع مختلف، به ویژه جوامع توسعه یافته و در حال توسعه، متفاوت است، همچنین شیوه برخورد با آن نیز تفاوت دارد. در این پژوهش‌ها

۱. Lyon-Callo, 2000

برخورد آراء و بحث قدیمی درباره این که کارتن خوابی محصول جامعه و عوامل ساختاری است یا عوامل فردی در آن نقش دارند، دیده می شود. در این پژوهش ها شیوه های حمایتی و توانمندسازی افراد کارتن خواب به طور وسیعی مورد توجه قرار گرفته است.

ملاحظات نظری به موضوع

در پژوهش های کمی و اثبات گرا، برای تبیین مسایل بی خانمانی و کارتن خوابی، آنها را در قالب نظریه ها و دیدگاه های موجود مورد بررسی قرار می دهند و اغلب از نظریه هایی همچون ساختارگرایی کارکردی، فشار ساختاری، بی سازمانی اجتماعی و دیدگاه ستیز/تضاد استفاده می کنند. روش های اثباتی مبتنی بر استدلال قیاسی یا آنچه که دانش پیشین خوانده می شود، هستند. پژوهش کیفی و رویکرد زمینه ای، از قبل نظریه و یا فرضیه ندارد، بلکه هدف اولیه آن کشف نظریه از طریق تولید روشمند داده هاست (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۱۹). نظریه زمینه ای ضمن رد اصول نظری اثبات گرایی بر منطق رویکردهای تفسیری-برساختی و به ویژه مکتب کنش متقابل نمادین مید و بلومر در درک و تفهیم اجتماعی تکیه دارد. با این وجود، نظریه در پژوهش کیفی به شیوه های خاصی کاربرد دارد، از جمله، ۱) ایجاد حساسیت نظری-مفهومی، به این معنا که نظریه می تواند ذهن پژوهشگر را باز کند و ۲) نظریه ها می توانند به تدوین چارچوب مفهومی تحقیق کیفی کمک کنند (محمد پور، ۱۳۹۲: ۲/۲۳۳). از این رو، در ادامه به برخی دیدگاه های نظری که متناسب با رویکرد کیفی در این پژوهش بوده و به توصیف و تبیین موضوع کارتن خوابی کمک می کنند، اشاره می گردد.

دیدگاه کنش متقابل نمادین

این دیدگاه در جامعه شناسی آمریکا توسط "مید"^۱، "بلومر"^۲ و "گافمن"^۳ تدوین و طبقه بندی شد. کنش متقابل نمادین اصولاً یک رویکرد خرد به جامعه شناسی است. چارچوب نظری آن تمرکز دارد بر این که چگونه تعاملات بین فردی بر آنان تأثیر میگذارد و چگونه این تعاملات می تواند بر جامعه تأثیر بگذارد. نظریه پردازان این دیدگاه می پرسند چگونه افراد نسبت به یکدیگر عمل می نمایند؟ افراد چه برحسب هایی به عنوان بی خانمانی تعیین می کنند؟ چگونه افراد غیر بی خانمان با افراد بی خانمان به تعامل می پردازند؟ این رویکرد فرد را در مرکز تحلیل قرار داده و به شیوه ای نگاه می کند که افراد، خود، دنیا و واقعیت خودشان را بر ساخته کرده، ساخت زدایی نموده، و دوباره بر ساخته می کنند (Ravenhill, ۲۰۱۴: ۳۲). در ادامه، برخی نظریه و دیدگاه های خاص مرتبط با کنش متقابل نمادین مطرح می گردند.

- دیدگاه روان شناسی اجتماعی: "مید" (۱۹۳۹) عقیده داشت که "خود" از فرایند درونی سازی تعاملات اجتماعی به وسیله یادگیری در به عهده گرفتن نقش "دیگری" از طریق بازی نقش پدیدار می شود. این شیوه برای "مید" مهم است زیرا توضیح می دهد که چگونه هنجارها و ارزش هایی که کارکردگرایان درباره اش صحبت می کنند، جذب فرهنگ جمعی می گردند و این که چگونه افراد تصور از خود و بنابراین، خود ارزشی شان را بر ساخته می کنند (Ravenhill, ۲۰۱۴: ۳۳).

- نظریه انتقال فرهنگی: نظریه انتقال فرهنگی بر این نکته تأکید دارد که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با "دوستان ناباب" آموخته می شود. "ادوین ساترلند"^۴ بر این اعتقاد بود که رفتار انحرافی از طریق "معاشرت با اغیار" یا "پیوند افتراقی" یعنی داشتن

۱. GH Mead/1943

۲. Blumer/1969

۳. Goffman/1959,1968

۴. E.Sutherland/1939

روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم، مانند "خلافکاران" آموخته می‌شود" (کوئن، ۱۳۷۰: ۱۶۷).

- **نظریه برچسب زنی:** این نظریه یک شیوه تحلیل و تبیین فرایندهای درگیری در واگذاری نقش و برچسب‌ها برای افراد در جامعه است. این برچسب‌ها می‌توانند هم مثبت و هم منفی باشند و برای اقدامات افراد یا گروه‌ها بکار برده می‌شوند (Goffman, As quoted by Ravenhill, ۲۰۱۴: ۳۴, Rosenthal and Jacobson, ۱۹۹۲, ۱۹۸۱; ۱۹۵۹). "گافمن" (۱۹۶۱) قدرت برچسب‌ها را در تغییر دادن خودتصوری افراد و رفتار آنان و قدرتشان را برای تغییر شیوه‌ای که افراد تعامل می‌کنند، مشخص کرد. این قدرت برای شناختن غوطه وری در فرهنگ بی‌خانمانی مهم است.

- **نظریه برساخت گرایی (سازه گرایی):** این نظریه مسیرش به شاخه "بلومر" از کنش متقابل نمادین می‌رسد که توسط "پیتر ال برگر" و "توماس لاکمن" در کتاب مشترکی که در سال ۱۹۶۶ با عنوان "ساخت اجتماعی واقعیت" منتشر کردند، معرفی شد و سپس توسط "اسپکتور" و "کیت سوس" (۱۹۷۳)^۲ گسترش یافت (Ravenhill, ۲۰۱۴: ۳۶). در نظریه برساخت‌گرایی، انسان نه تنها محیط و جهان اجتماعی خود را می‌سازد، بلکه به آن معنا و مفهوم نیز می‌بخشد (Berger and Luckman, ۱۹۶۷).

- **نظریه عاملیت^۳:** یک بخش محوری کنش متقابل نمادین، روش شناسی قومی، و پدیدار شناسی است. این دیدگاه بر توانایی فرد برای عملیاتی کردن مستقلانه در ساختارهای اجتماعی و دستیابی به پیامدهای اجتماعی معین تمرکز دارد (Ravenhill, ۱۹۹۷, as quoted by Moyes, ۲۰۱۴: ۳۹). "گیدنز" معتقد است که شما نمی‌توانید به جامعه همچون قطب‌های ساده ساختار یا عاملیت نگاه کنید، بلکه شما لازم است به

۱. Blumer/1969

۲. Spector and Kitsuse/1973

۳. agency

شیوه‌ای که عاملیت و ساختار با یکدیگر در تعاملند، نگاه کنید. او این حالت را "ساختاربندی" می‌نامد (Ravenhill, ۲۰۱۴:۳۹).

- نظریه جرج زیمل (جامعه‌شناسی صوری): به نظر "زیمل"، فرد اجتماعی شده پیوسته در ارتباط دوگانه با جامعه باقی می‌ماند، یعنی این‌که از یک سوی در جامعه عجین شده و از سوی دیگر در برابر آن می‌ایستد (کوزر، لوئیس، و روزنبرگ، برنارد، ۱۳۸۳: ۵۵-۵۶). از نظر "جرج زیمل"، گسترش کلانشهرها، هجوم و پذیرش سیل آسای افراد مهاجر به شهرها را فراهم می‌سازد که می‌تواند زمینه ساز آسیب‌های اجتماعی و بزهکاری (بی‌خانمانی و کارتن خوابی) گردد (سالارزاده، ۱۳۹۰، به نقل از مارتین، ۱۳۸۵: ۴۷).

نظریه‌های شبکه اجتماعی و حمایت اجتماعی: این نظریه‌ها تأکید دارند که منابع اجتماعی بر پاسخ‌های مقابله فردی تأثیرگذارند که متعاقب آن باعث افزایش یا کاهش سطح عوامل فشارزا می‌شوند. از این رو، می‌توان گفت با افزایش کارکردهای حمایت اجتماعی و توسعه شبکه اجتماعی سالم، به گونه‌ای که بی‌خانمان‌ها بتوانند خود را از بی‌خانمانی نجات دهند، ممکن است از این عوامل بتوان به صورت ضربه‌گیر برای جلوگیری از بی‌خانمانی در آینده استفاده کرد (علی‌وردی نیا، ۱۳۸۹: ۱۰۰ و ۱۰۱، به نقل از میلر، ۲۰۰۲).

چارچوب مفهومی پژوهش: با توجه به این‌که تمرکز این پژوهش بر مسایل فردی و سطح خرد کارتن خوابی است (به عوامل ساختاری نیز در رابطه با تاثیر آنها بر فرد پرداخته می‌شود)، و به روش کیفی و با رویکرد زمینه‌ای انجام می‌شود؛ با بهره‌گیری از مباحث نظری به ویژه دیدگاه کنش متقابل نمادین و نظریه‌های مربوطه‌اش، همچنین رویکرد طرد اجتماعی و نظریه حمایت اجتماعی؛ می‌توان به توضیح و تبیین مفاهیم اصلی کارتن خوابی پرداخت.

بر اساس دیدگاه‌های یادشده، کارتن خوابی پدیده‌ای است که بخش اصلی جامعه آن را تعریف و مشخص می‌کند. در واقع این اکثریت جامعه است که تمایل دارد به افرادی که آنان را منحرف از هنجارهای اجتماعی معمول تلقی می‌کند برچسب منفی زده و هویت انحرافی بدهد. این دیدگاه‌ها کمک می‌کنند پدیده‌ها و مقولاتی را که از نگاه افراد کارتن خواب معنی‌دار و مهم‌اند، شناخته و درک کنیم. کارتن خواب‌ها در تعامل و ارتباط با یکدیگر بتدریج فرهنگ کارتن خوابی را یادگرفته و درونی می‌سازند. افراد معتاد و کارتن خواب قبل از شروع اعتیاد و کارتن خوابی شان معمولاً با کسانی که دچار این انحراف یا نزدیک به آن بوده آشنایی و معاشرت کرده، تحت تأثیر آنان واقع شده، با چگونگی رفتارها و کنش‌های مربوطه آشنا گردیده و آنها را می‌آموزند.

همچنین این دیدگاه‌ها و به ویژه نظریه برساختگرایی اجتماعی به ما کمک می‌کند واقعیت کارتن خوابی و نگاه و تفسیر خود افراد کارتن خواب به این پدیده را فهمیده و درک نماییم. واقعیت کارتن خوابی توسط کسانی که در تعاملات انسانی‌شان بر اساس درک و تفسیر خود از آن عمل می‌کنند، باز تولید می‌شود. این افراد با درک و تفسیر خود، زمینه‌های کارتن خوابی خود، علل ورود به آن و تداوم کارتن خوابی‌شان، مسایل و مشکلات‌شان و راه کارهای احتمالی خود برای برون‌رفت از کارتن خوابی را توضیح می‌دهند. از سوی دیگر، دیدگاه‌های ساختاری، فقر، تبعیض، بیکاری، نابرابری‌های اجتماعی، توسعه نیافتگی و رکود اقتصادی را علل، بسنر ساز و رشد دهنده کارتن خوابی می‌دانند. از این رو؛ چارچوب مفهومی آن، شامل مفاهیم حساسی، همچون تجربه زیسته، فقر، طرد اجتماعی، محرومیت اجتماعی، بی‌کاری، سوء مصرف مواد، خرده فرهنگ کارتن خوابی، درماندگی، به حاشیه رانده شدگی، خودپنداره و انگ اجتماعی و عاملیت فردی مشخص گردید.

روش شناسی پژوهش

فهم تجربه زیسته افراد کارتن خواب در شهر تهران ۲۳۱

این پژوهش از نوع مطالعات کیفی و به روش نظریه زمینه‌ای است. "اشتراوس و کوربین" می‌گویند: "منظور ما از نظریه زمینه‌ای، نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به صورت منظم گردآمده و تحلیل شده‌اند" (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۳۴).

اندازه نمونه با انتخاب هدفمند نمونه‌ها با ۳۲ نفر به اشباع نظری رسید، اما برای اطمینان بیشتر و تأیید داده‌ها تا ۳۴ نفر ادامه یافت. دسترسی به این افراد با مراجعه به گرمخانه‌ها و پاتوق‌های این افراد عمدتاً در جنوب شهر تهران، به ویژه پارک‌ها و محله‌های جنوب شرقی تهران میسر شد. جهت همکاری آنان، سعی در برقراری رابطه حرفه‌ای، جلب اعتماد آنان، کمک گرفتن از افراد واسطه از بین خود کارتن خواب‌ها، و حتی ارایه مشوق‌های مادی گردید.

ابزار و نحوه جمع آوری داده‌ها: داده‌ها از طریق مشاهده، حضور میدانی و یادداشت برداری میدانی، یادداشت‌های تحلیلی، مصاحبه عمیق و نیمه ساختارمند با افراد نمونه جمع آوری شدند. اکثر مصاحبه‌ها به صورت ضبط صدا بوده که برای ضبط از مصاحبه شونده‌گان اجازه گرفته شد. مصاحبه‌ها حداکثر دو ساعت و حداقل یک ساعت طول کشید. مصاحبه با نمونه‌ها، از نوع مصاحبه مفهومی (نوع شناسی مصاحبه‌ای کوال و برینکمن) (محمد پور، ۱۳۹۲: ۱۵۸) است. مصاحبه‌ها از اردیبهشت ۹۵ تا آبان ماه ۹۶ طول کشید. تفکرات اصلی در این مصاحبه‌ها دستیابی به دنیای ذهنی و عینی و تجربه زیسته مصاحبه شونده‌گان بود. مشاهدات میدانی با تمرکز بر تعاملات افراد کارتن خواب با یکدیگر و با محیط و افراد دیگر صورت گرفت.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: تحلیل داده‌ها، به روش "اشتراوس و کوربین" صورت گرفت. ابتدا با کدگذاری باز و کدگذاری اولیه (سطح اول در کدگذاری باز) بیش از ۱۱۰۰ مفهوم استخراج شد. پس از مقایسه رویدادها به منظور درک و شناخت شباهت‌ها و تفاوتها در سطح دوم کدگذاری باز، در نهایت مفاهیم به ۱۴۰ کاهش یافت. در مرحله بعد، کدگذاری متمرکز با استفاده از معنادارترین یا فراوان‌ترین کدهای اولیه

برای غربال کردن و کاستن میزان زیادی از داده‌ها صورت گرفت. با تعیین و مرتب کردن کدها یا مفاهیم، کدهای مشابه و مشترک در قالب یک مقوله واحد قرار گرفتند. از این رو، انبوه داده‌ها به ۱۵ مقوله کلی، همراه با ۲۵ مقوله فرعی و ۱۱ مقوله فرعی‌تر، کاهش یافت.

ملاک‌های ارزیابی: اعتبار داده‌ها بر اساس معیارهای پیشنهادی "لینکلن و گویا" تأیید شد، از جمله، یادداشت‌های میدانی و تحلیلی پژوهشگر و داده‌های آنها با داده‌های بدست آمده از مصاحبه با کارتن خواب‌ها مقایسه شد و اعتبار داده‌ها تأیید گردید. همچنین یافته‌ها و نکات اصلی طرح نظری به زبان ساده با اغلب مصاحبه شوندگان در مراحل جمع‌آوری داده‌ها و پس از آن، در میان گذاشته شد و آنان این یافته‌ها و نکات را تأیید کرده و در مورد خود و یا همتایشان صادق می‌دانستند (اعتبار پاسخگو). بعلاوه، تجربه زیسته کارتن خواب‌ها و مفاهیم و مقولات بدست آمده از مصاحبه با آنان با گروه افراد خبره و کارشناس در میان گذاشته شد. تمام آنان یافته‌ها را تأیید کرده و آنها را درباره کارتن خواب‌ها صادق می‌دانستند.

ملاحظات اخلاقی پژوهش

برای رعایت اصول اخلاقی پژوهش، برای هر مشاهده و مصاحبه، رضایت شفاهی مصاحبه‌شونده به صورت آگاهانه جلب گردید و از وی اجازه گرفته شد. من به عنوان پژوهشگر برای هر مصاحبه شونده توضیح دادم: "شرکت در این پژوهش داوطلبانه و آزاد است، هویت واقعی شما محفوظ مانده و رازداری رعایت می‌گردد. من متعهد هستم از اطلاعات داده شده به گونه‌ای محافظت نمایم که ضرری متوجه اطلاعات دهنده نشود و اطلاعات خصوصی اش افشاء و منتشر نگردد".

یافته‌ها

فهم تجربه زیسته افراد کارتن خواب در شهر تهران ۲۳۳

نوع شناسی کارتن خوابی از منظر تفاوت‌ها و مشابهت‌ها: کارتن خواب‌های شهر تهران (و کلان‌شهرهای دیگر کشور) را می‌توان در وهله اول به دو دسته کلی کارتن خواب‌های معتاد و کارتن خواب‌های غیرمعتاد تقسیم کرد. بخش اعظم کارتن خواب‌های مشهود در کلان‌شهرها و شهر تهران کارتن خواب‌های معتاد هستند. این دو دسته اگر چه ویژگی‌های مشترک و هم پوشانی‌هایی دارند، اما دارای وجوه تمایز زیادی هم هستند. دسته دوم طیف وسیعی از افراد کارتن خواب را در بر گرفته که شامل افراد معلول جسمی یا روانی، متکدی، بی‌خانمان موقت، بی‌سرپرست، سالمند رها شده، کارگران غیررسمی و فقیر از جمله کارگران مهاجر، فصلی، موقت، کارگران شاغل در بخش بازیافت و ضایعات جمع‌کنی و مانند آن می‌گردند. به هر روی، انواع مختلف کارتن خوابی کم و بیش دارای همپوشانی و وجوه مشترک هستند.

یافته‌های توصیفی

سن افراد مورد مطالعه از ۱۶ سال تا ۷۵ سال بوده است. اما بیشترین فراوانی در طیف سنی ۲۱ سال تا ۴۵ سال قرار دارد. از ۳۴ نمونه مطالعه شده، ۲۴ مورد کارتن خواب معتاد و ۱۰ مورد کارتن خواب غیرمعتاد بوده‌اند. تحصیلات افراد مورد مطالعه از بی‌سواد تا فوق لیسانس بوده است. از دسته کارتن خواب‌های معتاد، ۳ مورد ابتدا کارتن خواب شده و سپس مصرف‌کننده مواد شده‌اند. اما ۲۱ مورد از قبل مصرف‌کننده مواد بوده و سپس کارتن خواب شده‌اند. سابقه سوء مصرف مواد در کارتن خواب‌های معتاد از حداقل ۱۰ ماه تا حداکثر ۳۸ سال بوده است. مدت کارتن خوابی در هر دو دسته از حداقل ۶ ماه و حداکثر ۱۵ سال می‌باشد. از دسته کارتن خواب‌های معتاد، ۶ نفر از آنان سابقه ترزیک مواد داشته یا در هنگام مصاحبه ترزیکی بوده‌اند. هر دو دسته اغلب دوره‌های کارتن خوابی و دوره‌های سوءمصرف مواد داشته‌اند. در دسته کارتن خواب‌های مصرف‌کننده مواد یا با سابقه مصرف، بیشترین فراوانی مربوط به مصرف شیشه و هرویین بوده است.

یافته‌های تحلیلی

علل کارتن خوابی (شرایط علی): ادبیات بی‌خانمانی / کارتن خوابی، علل این پدیده را به دودسته ساختاری و فردی تفسیم می‌کنند. ظهور "بی‌خانمانی جدید" بحث‌ها درباره علل بی‌خانمانی را تقویت کرد. برخی معتقد بودند که این پدیده نتیجه آسیب‌شناسی‌های فردی است و دیگران به عوامل اجتماعی ساختاری توجه داشته و بر اهمیت تغییرات در قانون، اقتصاد، سیاست و یا ایده نولوژی تأکید داشتند (Robinson, ۲۰۱۳; Wright, ۱۹۹۷; Jones, ۱۹۹۷; Carlen, ۱۹۹۶; Allen, ۲۰۰۰, as quoted by ۳۷).

الف- علل اجتماعی - اقتصادی

بی‌سرپناهی: بی‌سرپناهی در اینجا به معنای صرف‌نداشتن مسکن و مکان خواب شخصی است که مستقیماً منجر به کارتن خوابی می‌شود. بی‌سرپناهی در سه حالت ممکن است اتفاق افتد: مطلق، آن زمانی است که شخص از ابتدای زندگی هیچ‌گاه مسکن و سرپناهی نداشته است. اما در این پژوهش با دو نوع دیگر بی‌سرپناهی مواجهیم. ۱) ثانویه، آن زمانی است که شخص از قبل خانه و سرپناهی داشته اما به دلایلی آن را از دست داده است، و ۲) اضطراری، آن زمانی است که شخص خانه و سرپناه دارد اما در حال حاضر دسترسی به آن ندارد.

احمد- ح می‌گوید: "بعد از یک مشاجره با پدرم و نامادری، از خونه زدم بیرون و اوادم تهرون، جایی را نداشتم و کسی را هم نمی‌شناختم. تو میدون آزادی خیابون خواب شدم. اون موقع ۱۶ سالم بود و هیچ نوع اعتیادی هم نداشتم."

خلیل - ت: "خونه و زندگی خوبی داشته و الان هم دارم. دو تا پسر لندهور دارم که از اول با مادرشون سر تربیتشون با هم اختلاف داشتیم. سعی کردم اونا را درست تربیت کنم، زورم نرسید. آخر بریدم و خونه و

زندگی را گذاشتم و از خونه اوادم بیرون، در واقع به عنوان اعتراض.
الان ۴ ماهه اینجام. خونواده هم خبر ندارند کجام".

فقر اقتصادی: فقر اقتصادی را می‌توان مهمترین علت یا عامل اصلی زمینه‌ساز و سوق دهنده فرد به کارتن خوابی دانست. نقش فقر در این خصوص می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم باشد.

حسن- اح: "خونواده فقیر و پر جمعیتی بودیم. پدرم نمیتونست خرج ما را تأمین کنه، از ۱۲ سالگی مدرسه را ول کردم و مجبور شدم کار کنم. یعنی کودک کار شدم."

احمد- م: "از خانواده بالایی هستم. تحصیلات عالی دارم. وضع مالی، خونه و زندگی خوب بود. مشاغل مختلفی داشتم که دولتی نبود و خودم را بیمه بازنشستگی نکردم. بدنبال کشمکش و اختلاف خانوادگی تمام دارایی و خونه ام را از دست دادم و به اصطلاح کارتن خواب شدم و اوادم گرمخونه."

بیکاری: بیکاری را به دو نوع تبعیض آمیز و ساختاری تقسیم می‌کنند. در نوع نخست، میزان بیکاری در میان گروه‌های اجتماعی خاص مانند زنان و اقلیت‌های قومی بالاتر است. حال آنکه در بیکاری ساختاری شغل کافی برای افرادی که خواهان آن هستند وجود ندارد. این نوع از بیکاری ناشی از عوامل اجتماعی و اشتغال است تا ناکارآمدی‌های فردی (پروین و بابایی، ۱۳۹۵: ۱۶، به نقل از مونی و خوکس، ۲۰۰۲: ۳۳۶).

رضا - م: "بیکار بودم. برای کار اوادم تهران. در کارگاهی مشغول شدم. ولی کارشون رونق نداشت. به دنبال طرح تعدیل نیروی کارگاه، اوادم بیرون. به کارهای مختلفی پرداختم، اما همه موقت و بی ثبات بود."

مجید- غ: "بچه لرستانم. با همشهریام برای کار اوادم تهران. تو روستا و شهرمون برای جوونایی مثل ما کار نبود. در تهران به عنوان

کارگر ساده ساختمانی مشغول می‌شدیم، یا در میادین میوه و تره بار کارگری می‌کردیم. شبها به اتاق مجردی گروهی که با همسهری‌ها داشتیم می‌اومدیم یا کارگاه خوابی می‌کردیم."

مهاجرت: افرادی که از شهرستان‌های دور و نزدیک به تهران مهاجرت می‌کنند چند دسته‌اند. گروهی که به علت ناسازگاری و مشکلات خانوادگی، خانه و خانواده را ترک کرده و به شهرهای بزرگ، به ویژه تهران می‌آیند. کودکان و جوانان فرار از آن جمله‌اند. دسته دیگر کسانی هستند که دچار اعتیاد بوده و با طرد خانواده روبرو می‌شوند و یا تحت فشار خانواده برای ترک مواد، خانه را ترک می‌کنند. عده دیگری هستند که کم و بیش ترکیبی از عناصر و شرایط دو دسته اخیر را دارند. این دو دسته معمولاً در همان بدو ورود به شهر مقصد در زمره بی‌خانمان‌ها و کارتن خواب‌ها قرار می‌گیرند. اما دسته دیگر و بزرگی هستند که اکثراً جوان بوده و برای یافتن کار و درآمد به شهرهای بزرگ و تهران می‌آیند. اینان معمولاً پس از مدتی در مشاغل پایین و موقتی مشغول می‌شوند. کارگران فصلی و غیر ماهر و برخی از دستفروشان از آن جمله‌اند.

بابک - س: "تا ۱۶ سالگی در شهر خودمان و خونه پدری بودم. در این موقع همراه بچه‌های محل و دوستانم اومدم تهران. مدتی در خونه مجردی با هم‌دیگر زندگی میکردیم. بعدش من کار پیدا کردم و شبها در همان کارگاه میخوابیدم."

احمد - ح: "۱۶ سالم بود که به دنبال اختلاف با نامادری، خونه پدری را ترک و راهی تهران شدم. می‌خواستم کار پیدا کنم و زیر منت کسی نباشم. اون موقع هیچ موادی مصرف نمیکردم. سه ماه توی میدون آزادی و اطرافش تنهایی زندگی کردم. بعد از مدتی در یک کارگاه نظافت چی شدم و شبها هم در اون کارگاه می‌خوابیدم."

ب- علل خانوادگی و گروهی

نابسامانی خانوادگی: خانواده‌ای که خودش دچار مشکل، بدکارکردی، گسینختگی و تنش باشد نمی‌تواند به درستی نقش‌های خود را ایفا نماید. خانواده‌ای که آنچنان فقیر است که کودک یا نوجوان خود را برای تأمین کمک خرج خانواده برای کار میفرستد و او را تبدیل به کودک کار و خیابان میسازد، می‌تواند زمینه کارتن خوابی او را در کودکی یا بزرگسالی فراهم کند.

محمد - ع ص: " بچه بهزیستی‌ام. مادرم هم بچه بهزیستی بود. مادرم توی بهزیستی بزرگ میشه و سپس با پدرم ازدواج میکنه. بچه بودم که پدرم فوت میکنه. مدتی تو بهزیستی بودم، به خونواده‌ای واگذار شدم اما نمودم و نزد اقوام پدریم برگشتم. الان کودک کارم و شها توی همین پارک می‌خوابم " .

فردین - ل: " پدرم تریاکی بود. از ۱۰ سالگی تا ۱۸ سالگی شاهد تریاک کشی اش بودم. کنجکاو بودم که این چه چیزیه و چه لذتی داره؟ می‌خواستم من هم بکشم اما جرئت نمیکردم تا این‌که "

معاشرت با همتایان

حسن - ا ح: " از ۱۶ سالگی مشروب و سیگار را با بچه‌های هم سن و سال و دوستانم شروع کردم. اونا هم وضعیتشون مثل من بود. مشکلات خونوادگی داشتند. مدرسه نمیرفتند و دنبال سیگار و مشروب بودند. "

محمد - الف: " کسی که مدرسه را ترک میکنه و توی کوچه‌ها وله، خونوادش مواظبش نیست، چه کار میکنه؟ میره بچه‌هایی را پیدا میکنه که مثل خودشند، کبوتر با کبوتر، باز با باز " .

پ- علل فردی: در مقابل نظریه‌های ساختاری که کارتن خوابی را به عوامل اجتماعی و کلان نسبت می‌دهند، نظریه فردی کارتن خوابی، مسؤلیت کارتن خوابی را

در درجه اول متوجه فرد می‌داند. "مین^۱" از نظریه فردی حمایت کرده و عواملی همچون سوء مصرف مواد، بیماری روانی، ضعف شبکه حمایت اجتماعی، خود کنترلی ضعیف و گسیختگی در روابط خانوادگی را از جمله عوامل اولیه کارتن خوابی می‌داند (علیوردی نیا، ۱۳۸۹: ۲۱).

۱) سوء مصرف مواد گرای / اعتیاد: کارتن خوابی در جامعه ما رابطه مستقیم و غیر مستقیم با اعتیاد دارد، به حدی که بسیاری از افراد عادی جامعه و حتی کارشناسان، اعتیاد و کارتن خوابی را دو روی یک سکه می‌دانند. گفته می‌شود در شهر تهران، بیش از ۹۰ درصد کارتن خواب‌های خیابانی و گرمخانه رو، سوء مصرف مواد دارند. سوء مصرف مواد می‌تواند مقدم بر کارتن خوابی باشد و شاید مهمترین علت کارتن خوابی باشد؛ یا پیامد کارتن خوابی باشد. اما معمولاً وابستگی به مواد به تنهایی موجب کارتن خوابی نمی‌شود، چرا که افراد زیادی در جامعه به درجات مختلف سوء مصرف مواد دارند، اما کارتن خواب نیستند.

اکبر - م: " ۱۶ سالم بود شب‌ها توی کارگاه می‌خوابیدم. کارم سخت بود، خسته میشدم و بانم درد میگرفت. همکارم به من تعارف کرد. چند دود گرفتم. میگفت بکش دردت تموم میشه. کم کم دیدم وقتی دود نمیگیرم درد بانم شروع میشه."

بابک - س: " از شهرستان برای کار به تهران اومدم. هیچگونه اعتیاد و مصرفی نداشتم. پس از مدتی در کارگاه مبل سازی کار پیدا کردم. شبها همونجا توی کارگاه یا توی پارک و خیابون می‌خوابیدم. در یکی از این کارگاهها، اوسا کارم تریاک می‌کشید. از بوی تریاکش خوشم می‌اومد. به من هم تعارف کرد و "

بسیاری از معتادین به مصرف مواد، تحت فشار خانواده و یا تمایل خود، خواهان ترک مواد یا پرهیز از مواد هستند. آنان در مراحل مختلف اعتیادشان و به شیوه‌های مختلف اقدام به ترک می‌کنند. اما اغلب آنان در حفظ به اصطلاح "پاکی" و "مانایی در ترک" شکست می‌خورند. آنان وسوسه، اجبار به مصرف و ترک صرفاً جسمی و نه روانی و عدم تغییر زمینه‌های اجتماعی را عامل بازگشت به مصرف و به اصطلاح "لغزش" خود می‌دانند. نامانایی در ترک یکی از عوامل تداوم کارتن خوابی است.

قاسم- ف: "وسوسه مثل کرمی است که توی منخ آمده. تو را به سمت خودش می‌کشد. ضعیف بودن و اراده نداشتن هم مهمه که باعث می‌شه تسلیم بشی. من زمانی حتی اگر زرورق روی اجاق گاز آتشپزخونه را میدیدم وسوسه میشدم. حالا که ترک کرده ام به مادرم گفته ام. حق نداره حتی فویل زرورق روی اجاق گاز بذاره."

۲) ناتوانی روانی و ناتوانی: اختلالات جسمی می‌تواند زمینه ساز بی‌خانمانی و کارتن خوابی افراد شود. معلولیت جسمی و یا روانی می‌تواند به حدی باشد که فرد قادر به داشتن شغل و درآمد نباشد، ضمن این‌که با هزینه‌های درمانی روبروست. در نتیجه به ورطه فقر هم سقوط می‌کند.

حمید - ب: "سه سال پیش کارم را از دست دادم. چون از طبقه دوم افتادم کمرم شکست. الان پروتز تو کمرمه. یک سال مشکل نخاعی داشتم. کارگاه توری بافی ام را هم از دست دادم. بعد از اینها دوباره کارتن خواب شدم."

علی - س: "در تهران مدتی رفتم کبابی، مدتی هم رفتم پارکبانی. اون موقع خوابگاه کارگران فصلی می‌رفتم. تو خوابگاه تشنج کردم. از بچگی صرع داشتم. داروم را نخورده بودم. اما گرمخونه دکتر داره به من دوا میده."

۳) ضربه و شکست در زندگی (تروما): برخی افراد کارتن خواب، رویداد ضربه زنده و شکست در زندگی را تجربه کرده و متعاقب آن به کارتن خوابی روی آورده‌اند. این رویدادها می‌توانند جسمی، روانی یا اجتماعی باشند. اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) ممکن است از عوارض این سوانح باشد.

حسن - الف: "همسرم دچار سرطان خون شد، همه جوره برایش خرج کردم اما خوب نشد و فوت کرد. سال بعد، یعنی سال ۹۱، که راننده کامیون بودم با یک مینی بوس تصادف کردم، مقصر بودم، ۸ نفر کشته شدند. زندانی شدم، دیه هم دادم؛ اما عذاب وجدان داشتم. تو زندان از بس غصه میخوردم و گریه میکردم، هم‌بندی‌هام پیشنهاد کردند هرورین بکشم."

احمد - ح: "۱۶ سالم بود که مادرم مرد. قبل از اون زندگی خونوادگی خوبی داشتیم. اون که رفت، همه چیز رفت و زندگی خونوادگی مون آشفته شد. بعد از چهلمش اومدم تهران و دیگه بزنکشتم. اما همیشه خاطرات مادر و مرگش را دنبال خود می‌کشم. نمیتونم خودم را از گذشته دردناکم رها کنم."

شرایط زمینه‌ای: بستر و زمینه‌ای که کارتن خوابی در آن شکل می‌گیرد، شرایط زمینه‌ای در نظر گرفته می‌شود. در تعریف دیگر، شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی از شرایط اند که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوالی یا مسایلی را به وجود آورند که اشخاص با عمل/ تعامل‌های خود به آن‌ها پاسخ می‌دهند. شرایط زمینه‌ای منشأ در شرایط علّی و مداخله گر دارند و بر راهبردها تأثیر گذارند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۵۴).

طرد اجتماعی: طرد از سوی خانواده و جامعه دو مفهوم این مقوله می‌باشند. طرد از جامعه می‌تواند شامل طرد از مدرسه، کار و محیط کاری، محله، دوستان و ... باشد. گر چه طرد از جامعه در امتداد طرد از خانه و خانواده است، اما طرد از جامعه می‌تواند همراه با

فهم تجربه زیسته افراد کارتن خواب در شهر تهران ۲۴۱

طرد از سوی خانواده یا بدون آن هم باشد. طرد اجتماعی^۱ نوعی رانده شدن را می‌رساند و معمولاً در برابر مشارکت قرار می‌گیرد. یعنی کسی که مشارکت اجتماعی فعال نداشته و به نوعی منزوی شده باشد، دچار طرد شدگی است (غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸۴).

سیاوش - م: "اولش کراک میکشیدم. پدر و مادرم فهمیدند. از خونه بیرونم کردند و گفتند تا ترک نکردی برنگرد. اما در عوض، من از مصرف دودی به سمت ترزیمی رفتم و کارتن خواب شدم. ..."

مهدی - س: "هیچ نوع اعتیادی ندارم. با خونوادم دچار مشکل شدم. خودم از خونه زدم بیرون، قبل از این که اونا بیرونم کنن. هر جا رفتم به من کار ندادن، چون بی جا و مکان و خونواده بودم. مردم به ما اعتماد نمی‌کنن."

نابرابری‌های اجتماعی نهادینه شده: فرصت‌های نابرابر و عدم دسترسی مساوی به امکانات و منابع اجتماعی (به ویژه ثروت، قدرت و منزلت) و محروم سازی بخشی از افراد جامعه توسط بخش دیگر که معمولاً طبقه مسلط و حاکم جامعه است به نابرابری‌های اجتماعی می‌انجامد. وقتی این نابرابری‌ها استمرار داشته و توسط جامعه یا بخش‌هایی از جامعه پذیرفته شده باشد نهادینه شده و در ساختار جامعه جا خوش می‌کند. تبعیض اجتماعی، بی‌عدالتی درآمدی، نابرابری اشتغال و اشتغال غیر رسمی از مفاهیم نابرابری اجتماعی نهادینه شده‌اند.

رضا - م: من اهل زاهدانم. دیپلم دارم، اعتیاد هم ندارم، اما در بازار تهران حمالی (باربری) میکنم و شبها میام گرمخونه. اینها نشونه تبعیض و دسترسی نابرابر به مشاغل نیست؟"

ایوب - ع: "توی میدون بار می‌بردم یا بار خالی میکردم. کار دائمی و رسمی نداشتم، یعنی نمیدادن. یه مدت هم رنگ کار مبلمان بودم. طولانی‌ترین کار ثابتم اونجا بود. اما بازم بیمه نبودم."

حاشیه نشینی: محیط اجتماعی محل سکونت خانواده قبل از کارتن خوابی (چه خانواده زن و شوهری و چه خانواده پدری و مادری) در کارتن خواب شدن افراد و تداوم آن تأثیر گذارند.

محل‌های فقیرنشین و یا حاشیه‌نشین شهری که جزء مناطق نا برخوردار یا کم برخوردار محسوب می‌شوند، میزان فقر، آسیب‌های اجتماعی و ناهنجاری‌های فرهنگی در آنها بالاست.

بهروز - ب: "بچه بودم که همراه پدر و مادر و ۶ برادر و یک خواهر از یکی از روستاهای کرمانشاه مهاجرت کردیم و آمدیم در محله فقیرنشین جنوب غربی تهران در خانه کوچک و قدیمی مستأجر شدیم. وضع مالی خوبی نداشتم. من و برادرم زیاد درس نخوندیم. توسن پایین مجبور بودیم بریم سر کار."

محمد - ع ص: "مردم ما را "غربتی" میدونن. مادرم تحت پوشش بهزیستی بود و الان هم در زندونه، به جرم مواد مخدر. خودم هم بچه بهزیستی‌ام. اما مدتی است در این پارک کارتن خوابم و عصرها بساط لباس فروشی در ... پهن میکنم، یعنی کودک کارم."

توسعه نیافتگی: برخی از مناطق کشور از لحاظ توسعه یافتگی نسبت به بقیه بخش‌های کشور عقب ترند. میزان بیکاری بالا و میزان مهارت‌های شغلی، بهره‌وری اقتصادی در این مناطق پایین است. اغلب جوانان بومی این مناطق برای اشتغال و کسب درآمد به بخش‌های توسعه یافته کشور، از جمله شهرهای بزرگ و کلان شهر تهران مهاجرت می‌کنند. کارگران مهاجر فصلی بخشی از این مهاجرین هستند که ممکن است در تهران در شرایط کارتن خوابی قرار گیرند.

رضا - م: "در سیستان و بلوچستان بیکاری بیداد می‌کند. خشک سالی هم ۱۸ سال است این استان را در بر گرفته. جوونا در پی کار به سایر استان‌ها و استانهای همجوار مهاجرت میکنند. بعضی‌ها هم خود را به تهران می‌رسونن. من از اون جمله بودم. برای کار، ابتدا به مشهد رفتم و سپس به تهران اومدم."

ناکارآمدی نظام رفاه اجتماعی: امروزه، در جوامع توسعه یافته، معمولاً نظام رفاه اجتماعی رسمی این جوامع در مراحل مختلف به یاری افراد و گروه‌هایی که در معرض ریزش و گسست از جامعه اصلی و حمایت‌های اجتماعی مربوطه قرار دارند شناخته و سعی در پیشگیری از سقوط آنان دارد. اما یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند این نظام در جامعه ما قادر به پوشش دهی و حمایت لازم و به موقع از افراد آسیب‌پذیر و کارتن خواب‌ها نبوده و در مقاطعی بسیار ناکارآمد است.

احمد - م: "ورزشکار بودم، قهرمان کشوری بودم، هیچ نوع اعتیادی نداشته و ندارم. اما حالا که زندگیم را از دست داده و به پیری رسیده‌ام، نباید جام اینجا توی گرمخونه و کنار کارتن خواب‌های معتاد باشه. دولت باید سرپناهی که در خور من باشه برام فراهم میکرد و دستم را می‌گرفت." احمد - ح: "با نامادریم اختلاف پیدا کردم، بابام هم طرف اون بود. از خونه فرار کردم و اومدم تهران. ۱۶ سالم بود. سه ماه تو میدون آزادی و پارک اطرافش سرگردون بودم. از همه می‌ترسیدم. غلذام را از توی زباله‌ها پیدا می‌کردم."

سیاوش - م: "سه ماه و یک روز در کمپ بودم، ترک کردم و تا آخر موندم. قرار بود ما را برای توانمندسازی و اشتغال به مرکز بهاران ببرند. اما گفتند فعلاً مرخصید، ما با شما تماس میگیریم که بیاید. من هم چون جایی را نداشتم. بین دوستان معتاد و کارتن خواب سابق برگشتم و بعد از چند روز مصرف موادم را از سر گرفتم."

شرایط مداخله‌گر: شرایط مداخله‌گر یا میانجی، آن دسته از عوامل (اعم از خرد یا کلان) است که بر تقویت یا تضعیف کارتن خوابی و راهبردهای فردی تأثیر دارد. این عوامل را می‌توان بازدارنده یا تسهیل کننده آنها هم دانست.

سیاست اجتماعی مربوطه: دولت و مسئولان جامعه در جهت پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی، خط مشی‌ها و سیاست‌هایی را اتخاذ و آنها را دنبال و اجرایی می‌کنند. سازمان‌های متعددی در کلانشهر تهران در امر کارتن خوابی و سوء مصرف مواد درگیرند، اما در این میان ستاد مبارزه با مواد مخدر، شهرداری، سازمان بهزیستی، نیروی انتظامی و قضایی نقش بارزتری دارند.

بابک - س: "جامعه و مسئولان الان نگاه بهتری به ما دارن. ما را بیمار می‌دونن. قبلاً مجرم و خلافکار میدیدن."

حسین - م ش (۲۹ p): "یه بار هم بر اساس قانون جمع آوری معتادان متجاهر و طرح توانمندسازی بهاران شهرداری در این طرح شرکت کردم، یعنی جمع آوری شدم. اما ادامه ندادم و خودم از اون طرح اومدم بیرون."

تجارت مواد مخدر: ایران با مرز طولانی اش با مراکز تولید مواد مخدر در افغانستان، ارزانترین و نزدیکترین مسیر انتقال این مواد به اروپا و آمریکا بوده و بنا بر این در معرض تهدید بسیار جدی قرار دارد و اگر حتی یک درصد تولید و تجارت انواع مواد مخدر از مسیر ایران در داخل کشور ریزش کند، پیامدهای ناشی از آن فاجعه آمیز خواهد بود (زاهدی اصل، ۱۳۹۳: ۸۴).

حسین - م ش: "مواد مخدر سود آوره و سودش هم زیاده. آدم‌ها هم دنبال پول و سودن. این سود زیاد برخی از مسئولین را هم آلوده می‌کنه. به همین خاطر تجارت مواد مخدر ادامه داره و روز به روز هم گسترش داره."

حسین - م: "با تریاک کشی شروع کردم. بعد از مدتی دوستم هرویین جلویم گذاشت. بعدش یادم داد که چگونه با سرنگ تزریق کنم. مدتی هم کراک مصرف می‌کردم. بعد توبه کردم و دیگه تزریق نکردم، اما مصرف دودی را ادامه دادم."

عوامل درون فردی: عوامل درون فردی مؤثر، به عنوان عوامل مداخله گر در این پژوهش، شامل ویژگی‌های شخصیتی، نگرش‌ها، معنا دهی و خود پنداره‌هایی است که در نگاه، ذهن و درون شخص کارتن خواب وجود داشته و می‌توانند در رفتار، تصمیم‌گیری‌ها، شیوه زندگی کارتن خوابی و راهبردهای آنان در برخورد با کارتن خوابی و اعتیاد تأثیر مثبت یا منفی داشته باشد. پژوهشگر از این منظر به عوامل درون فردی و ویژگی‌های شخصیتی به عنوان عوامل مداخله گر پرداخته است که افراد کارتن خواب قربانیان منفعل و بی اراده در شرایط اجتماعی نامساعد نیستند و می‌توانند نسبت به سرنوشت خود مسئولیت پذیر بوده و در مقابل مشکلات تاب آوری داشته باشند.

قاسم - ف: "معتاد کارتن خواب می‌خواد لالابالی باشه، خود مختار باشه، برا همین به گرمخونه نمیره. چون اونجا مقررات داره، مثلاً ساعت ۹ شب باید بخوابی. هر وقت دلت خواست نمی‌توننی از مواد استفاده کنی."

امیر - الف: "کارتن خوابی زندگی سگی یه. باید توی سطل‌های زباله بگردی تا شاید پس مونده غذای دور ریخته دیگران را پیدا کنی. یا گاهی مردم از سر دلسوزی لقمه نونی جلوت بندازن. مردم با ما مثل سگ رفتار می‌کنن."

ویژگی‌های شخصیتی: خود کنترلی ضعیف، نا تاب آوری در مقابل مشکلات، خلاء عاطفی، اختلال روانی و ذهنی، می‌توانند در جدایی از خانواده، سوء مصرف مواد و ادامه آن و افتادن در باتلاق کارتن خوابی تأثیر گذار باشند.

بابک - سن: "فکرم به آینده نمیره. فقط فکر الان و امروزم. همیشه دنبال محبت بوده ام. هرکس به من محبت نشون بده، جذبش می‌شم. حتی دوستیم با کارتن خوابای دیگر به خاطر کمبود محبت".

حسن - سن: "چند وقته بیکارم. یک جا بند نمی‌شم. دائم کارم را عوض میکنم. حال و روحیه ام تغییر میکنه. از حالی به حال دیگه می‌اقتم. مدتی هم قرص خوردم، تأثیر چندانی نداشت. فکرم مشغوله."

مقوله محوری: برزخ گسستگی - وابستگی

تمام کسانی که با تعریف به کارگرفته شده، کارتن خواب شناخته می‌شوند، کسانی هستند که از خانواده و جامعه اصلی جدایی و گسستگی‌هایی داشته و دارند. این افراد شبکه‌های حمایتی خود را از دست داده و یا از ابتدا شبکه حمایت اجتماعی ضعیفی داشته‌اند. برخی از آنان که در فقر، محرومیت و بیکاری زندگی می‌کرده‌اند، خانه و کاشانه خود را به امید یافتن کار و زندگی بهتر ترک کرده، دست به مهاجرت زده و به کلان شهر تهران آمده‌اند.

حسن - اح: "وقتی جا و مکان ندارم، خونواده ندارم، کار ندارم؛ یعنی پشت (پشتیبان) ندارم. وقتی پشت ندارم، مضمتم خالیه. مضمتم باید پشت داشته باشه."

بهروز - ب: "بیماری فلج کننده‌ای گرفتم. کارم را از دست دادم. بیمه هم نبودم. هیچگونه درآمدی نداشتم. کرایه خونه را هم نمی‌تونستم بدم. با این‌که من و همسرم یکدیگر را دوست داشتیم، توافقی از هم جدا شدیم. بچه مون پیش او موند. من رفتم خیابون خوابی و بعد او مادم گرمخونه."

این گسستگی‌ها، در این افراد خلاءها، کمبودها و ترس‌هایی که می‌تواند جنبه مادی، عاطفی، منزلتی و اجتماعی داشته باشد، ایجاد می‌کند. همچنین آنان را با

مشکلات جدیدی روبرو می‌سازد. آنان برای جبران این گسستگی و شرایط نامطلوب حاصله، سعی می‌کنند این خلاءها و حمایت‌های اجتماعی از دست رفته و توان مقابله با مشکلات جدید را آگاهانه یا ناآگاهانه از جای دیگر، با وسایل دیگر و افراد دیگر، ولو در حد ضعیف و ناقص و یا به گونه‌ای نا سالم، پر کرده و جایگزین سازند. برای کسب حمایت به همالان و همتایانی بپیوندند که دچار انحراف شده یا در معرض انحراف قرار داشته و در شرایط مشابهی به سر می‌برند، اما بدون انتقاد و قضاوت محکوم کننده، آنان را می‌پذیرند. شخص کارتن خوابی که احساس تعلق مکانی، هویتی و خانوادگی خود را از دست داده و احساس می‌کند ریشه در جایی ندارد؛ سعی می‌کند با وابستگی و پیوستگی به پاتوق کارتن خوابی و به افراد گروه کارتن خوابی خود، این فقدان احساس تعلق را جبران کند و این گونه تا حدی به آرامش روانی و ذهنی برسد؛ اگرچه نوعی ساز و کار خود فریبی باشد. در واقع، این افراد، پاتوق کارتن خوابی یا گرمخانه را جایگزین خانه و اعضای پاتوق یا گروه کارتن خوابی خود را جانشین خانواده می‌سازند؛ با این که در گوشه ذهنشان می‌دانند که چنین خانه و خانواده‌ای قابل اتکاء و اطمینان نیستند. از این رو، پژوهشگر نام "برزخ" را برای این فرایند انتخاب کرده است. فرایندی که جنبه روانی - اجتماعی دارد و در لایه‌های زندگی و ارتباطات افراد کارتن خواب قابل مشاهده و تأثیر گذار است. این فرایند مملو از نااطمینانی، بلا تکلیفی، گرفتار شدگی، امید و ناامیدی‌هاست.

احمد - الف: "مجبورم خرج زندگی کارتن خوابی و موادم را در بیمارم. هر کس به طریقی اینکار را می‌کنه. گاهی کارگری موقت می‌کنم، گاهی زد و بند (خرید و فروش مواد و اجناس دست دوم). تا حالا دزدی نکردم، اما شاید روزی مجبور بشم دزدی کنم."

داریوش - ی: "از خودم بدم می‌آید. مردم و خانواده ام برام ارزشی قائل نیستند. خودم هم نسبت به خودم همین احساس را دارم."

قاسم- ف: "معتاد و کارتن خواب مهری روی پیشونیش می‌خوره که این مهر همه جا با اونه. تا آخر عمرش به چشم معتاد و کارتن خواب به او نگاه میکنن. حتی اگر از اعتیاد پاک شده باشه و یا از کارتن خوابی به در اومده باشه. خود آدم هم این مهر و برجسب را می‌پذیره و همیشه اون را با خودش همرا می‌دونه."

کارتن خواب‌ها روابط گوناگونی با گروه‌ها و افراد مختلف دارند. آنان به دلایلی معمولاً جذب یکدیگر شده و اغلب با هم و در جوار هم هستند. حتی زمانی که جدا هستند، نوعی همبستگی و ارتباط ذهنی و عینی با دیگر افراد کارتن خواب احساس می‌کنند، پدیده‌ای که می‌توان آن را "همباشی گرابی" نامید. گرچه با هم بودن برای آنان منافع و مزایایی دارد، اما دیده می‌شود ضمن باهم بودن مراقبت از یکدیگر آسیب ندیده و مورد سوء استفاده قرار نگیرند. برخورد غیرکارشناسی مردم و برخی سازمان خیریه و مردم نهاد (و حتی برخی سازمان‌های دولتی) با کارتن خوابی و شیوه غیرحرفه‌ای ارائه خدمات، منجر به تشدید کارتن خوابی، گداپروری و کارتن خواب پروری شده است.

بابک - س: "با کارتن خواب‌های دیگر بودن باعث میشه احساس تنهایی نکنم، غصه نخورم که دیگران خانه و زندگی دارن، زن و بچه دارن، من ندارم. می‌بینم همه مثل هم هستیم. در واقع اونا جای خونواده، و پاتوق و محیط کارتن خوابی جای خونه را برام گرفتن."

احمد - الف: "بین کارتن خواب‌ها همه جور آدمی پیدا میشه. از همدیگر دزدی میکنن، دنبال سوء استفاده‌اند، دروغ می‌گن. وقتی هم که باهم دوست می‌شن، مجبوری یه پول مواد کم دارن یا وسایل مصرف ندارن."

راهبردها

افراد کارتن خواب در برخورد با کارتن خوابی، رویکردهای مختلفی اتخاذ می‌کنند. راهبردهای غالب مشارکت کنندگان در این پژوهش را می‌توان در سه دسته قرارداد و آنها را به کوتاه مدت و دراز مدت تقسیم کرد. راهبرد کوتاه مدت معمولاً در بدو ورود به کارتن خوابی اتخاذ می‌گردد و برای حفظ خود در خیابان و در محیط کارتن خوابی، و تأمین نیازهای اولیه و تأمین مواد برای آنانی که سوء مصرف مواد دارند، بکار گرفته می‌شود."

بقاء گرایی: افرادی که وارد خیابان شده و کارتن خوابی را شروع می‌کنند، در ابتدا با مشکلات و تهدیدات مضاعف و گاهی غیرمنتظره روبرو می‌شوند. آنان برای بقاء در خیابان و دوام آوری در مقابل این مشکلات و تهدیدات باید تمهیداتی بیندیشند.

امیر- الف: "اولین شبهای بی‌خانمانی خیلی ترس و دلهره داشتم. کجا برم؟ چه کار کنم؟ مبادا سرم را بزن یا جیم را بزنن. به شابدالعظیم رفتم و در کنار حرم خوابیدم. کسان دیگه‌ای هم مثل من بودن."

بابک- س: "حالا بیشتر داخل ترمینال خاوران رفت و آمد میکنم و شبها هم گوشه‌ای از اون یا پارک اطرافش می‌خوابم. کارتن خواب‌های دیگه هم هستن. پاتوقم را از روی عادت و این‌که تا حدی احساس امنیت کنم، انتخاب میکنم، و این‌که دوستای سابقم کجا هستن. قبلا در محله شوش بودم، بچه‌های اینجا مرا به "بابک شوشی" می‌شناسن."

تداوم گرایی کارتن خوابی

بخشی از کارتن خواب‌ها در همان روزهای اول ورودشان ممکن است به خانه و خانواده خود باز گردند. اما اغلب آنان به دلایلی در کارتن خوابی ماندگار می‌شوند. در این مرحله آنان آگاهانه یا نا آگاهانه باید تصمیم بگیرند چگونه به کارتن خوابی خود

ادامه دهند. آنان معمولاً با توجه به شرایط فردی و اجتماعی شان دو مسیر متفاوت، کارتن خوابی فعال و کارتن خوابی استیصالی را دنبال می‌کنند.

کارتن خوابی فعال: دسته‌ای از افراد وقتی که کارتن خواب می‌شوند، سعی می‌کنند خود را با شرایط کارتن خوابی سازگار کنند و در عین حال تلاش می‌کنند زندگی کارتن خوابی خود را بهتر سازند.

حسن - م ی: "ضایعات جمع کنی را کار و شغل میدونم و آن را عار نمیدونم. از طریق ضایعات جمع کنی و دستفروشی هزینه زندگیم را تأمین میکنم. تا به حال دزدی نکردم، مواد هم نفروختم."

کارتن خوابی استیصالی: دسته‌ای از کارتن خواب‌های مورد مطالعه، از روی استیصال و درماندگی به کارتن خوابی ادامه می‌دهند. این دسته با توجه به شرایط بیرونی و شرایط فردی خود، تسلیم شده و خود را غرق شده می‌دانند، یا این‌که به مرور توان فکری و قدرت تصمیم‌گیری را از دست داده، آینده بهتری برای خود تصور نمی‌کنند و انگیزه‌ای برای بهبود شرایطشان ندارند.

حسن - ج: "هیچ برنامه‌ای ندارم. فکر ترک هم نیستم. به همین روال ادامه می‌دم تا بمیرم. من دیگه غرق شدم. زندگی دیگه‌ای برام قابل تصور نیست. به این نوع زندگی عادت کردم."

برونرفت‌گرایی از کارتن خوابی: برخی افراد، به ویژه کارتن خواب‌های غیرمعتاد از همان شروع کارتن خوابی شان، آرزو و هدفشان برونرفت از کارتن خوابی است، اما برخی افراد دیگر بعد از مدتی کارتن خوابی، تحمل فشارها، سختی و کسب تجربه، ممکن است به مرحله‌ای برسند که به بازاندیشی^۱ در مورد شرایط، مسیر و آینده خود پرداخته و مسیر برونرفت را دنبال نمایند.

قاسم- ف: " باید به ته خط برسی. به ذلت بیفتی. همه چیزت را از دست داده باشی، اون موقع ممکنه بیدار بشی و تصمیم بگیری خودت را نجات بدی، راهی که من رفتم." فردین- ل: " اگه خدا کمک کنه و لیاقت داشته باشم می‌خوام برای همیشه ترک کنم. و سرزندگی و زن بچهام باشم. قبلاً هم ترک کردم و مدت‌ها پاک بودم. می‌تونم. باید عزمم را جزم کنم. سازمان‌ها و شهرداری هم اگه کمک کنند زودتر این مسیر را طی می‌کنم."

پیامدها

بدیهی است راهبردهای اتخاذ شده و بکار گرفته شده پیامدهایی خواهند داشت. در کارتن خواب‌های مورد مطالعه پیامدهای ادراک شده نیز در سه مقوله جای گرفتند: مانایی در خیابان: راهبردی که افراد کارتن خواب در بدو ورود به خیابان و این نوع زندگی اتخاذ می‌کنند، پیامدش این است که بتوانند در خیابان دوام آورده، زنده بمانند و به اصطلاح مانایی داشته باشند. آنان می‌توانند خود را در مقابل مخاطرات حفظ کرده و به طریقی نیازهای اولیه و اضطراری خود را برآورده سازند.

احمد- ح: " الان می‌دونم کجاها برم یا چه کار کنم که مورد حمله و سرقت قرار نگیرم. شبها کجا بخوابم و با چه کسانی رفت و اومد کنم." رضا- م: " شبهای اول تو سبزه میدون، جلو بازار بزرگ می‌خوابیدم. مأمورای شهرداری مزاحمم میشدن. بالاخره هم به اصطلاح جمع‌م کردن و آوردن گرمخونه، از گرمخونه چیزی نمیدونستم. اما بعد ترجیح دادم شبها پیام گرمخونه."

سازگار شدگی با زندگی کارتن خوابی: پس از دوام آوری و مانایی در خیابان در اوایل کارتن خوابی، شخص کارتن خواب به نوعی به ثبات ذهنی و وضعیتی رسیده

و واقعیت کارتن خوابی خود و زندگی کارتن خوابی را پذیرفته و به اصطلاح خود را باز می‌یابد. او خود را در استمراری از کارتن خوابی می‌بیند.

خلیل - ت: "سعی کردم خودم را با زندگی کارتن خوابی تطبیق بدم. ۴ ماهه که ثابت در همین مکانم. پتو و وسایل خریدم و زیر درخت و کنار باغچه برا خودم جا درست کردم. از امکانات اینجا استفاده می‌کنم. شرایطم بد نیست."

مهدی - س ن: "کارتن خوابم، اگر چه سر و وضعم مرتبه. روزها تو فلافل فروشی کار میکنم، شب‌ها می‌آم اینجا می‌خوابم. تا حدودی زندگی نظم پیدا کرده و از آشنفنگی‌های اوایل کارتن خوابی‌ام بیرون اومده‌ام."

مزمین شدگی کارتن خوابی: مزمین شدگی کارتن خوابی، شرایط ناامیدکننده و مختومی در زندگی فرد است. درماندگی و زوال گرایی به حد نهایی میرسد و شخص کارتن خواب نیز خود را در این باتلاق رها می‌سازد.

ایوب - ع: "هیچ هدف و برنامه‌ای ندارم. نمی‌تونم تصمیم بگیرم. از لحاظ فکری راکد و خمودم. انگیزه ندارم."

محمد - الف: "آینده‌ای ندارم. نمی‌تونم زندگی خوبی داشته باشم. آدمی شدم خلاقکار و شکست خورده. روز به روز در این باتلاق بیشتر فرو میرم. سرنوشت من اینه، سرنوشتی که خودم نوشتم."

آماده شدگی برای رهایی از کارتن خوابی: شخص کارتن خواب به آینده و توان برونرفت خود از کارتن خوابی امیدوار می‌شود و احساس خودعاملیتی می‌کند. از مفهوم عاملیت^۱ برای بیان میزان اراده آزاد انسان در کنش اجتماعی‌اش استفاده می‌گردد. از نظر "مید" (۱۹۳۹)، به جای آنکه افراد بی‌خانمان به عنوان قربانیان غیرفعال ساختارهای اجتماعی یا بر اساس آسیب شناسی‌های فردی یا بدکارکردی‌های‌شان دیده

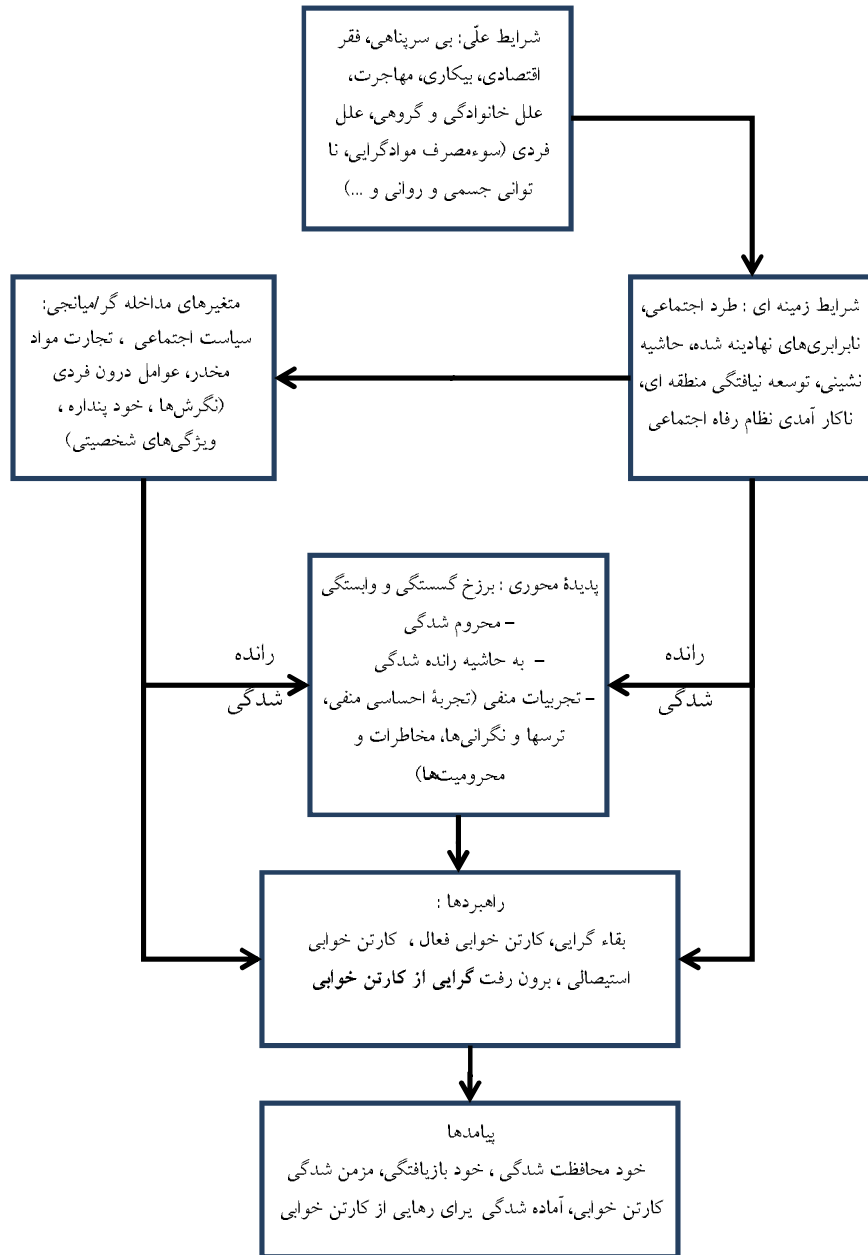
فهم تجربه زیسته افراد کارتن خواب در شهر تهران ۲۵۳

شوند، می‌توان افراد بی‌خانمان و در معرض بی‌خانمانی را به عنوان عاملان فعالی که زندگی خودشان را اداره می‌کنند، درک نمود (Ravenhill, ۲۰۱۴: ۳۴).

داوود - ف: "اول خواست خود آدم مهمه. آدمی هستم که بارها زمین خورده و هر بار یه جاییم شکسته. اما بلند شدم. این دفعه میدونم چه طور زندگی کنم. ۲ ماهه که پاکم. احساس میکنم زندگی و وضعیتیم تحت کنترل خودمه."

رضا - م: "هدفم اینه مقداری پول جمع کنم و به شهرم برگردم. به خونوادم کمک مالی میکنم. میدونم اونا مقداری از اون را پس انداز کرده و میخوان برام به خواستگاری برن. گفتن صبر کنید وضع زندگیم بهتر بشه."

نمودار پارادایمی تجربه زیسته کارتن خوابی



بحث و نتیجه گیری

در نوع شناسی کارتن خوابی در این پژوهش، ابتدا دو دسته کلی، کارتن خواب‌های معتاد و کارتن خواب‌های غیر معتاد تشخیص داده شد. سپس در درون این دو دسته پاره گروه‌هایی شناسایی شدند. این دو دسته، اگر چه دارای تفاوت‌های بسیاری هستند، اما مشابهت‌ها و مشترکات فراوانی هم بین آن دو دیده می‌شود.

این پژوهش نشان می‌دهد که بخش بزرگی از کارتن خواب‌ها، قبل از کارتن خوابی سوء مصرف مواد داشته‌اند. به عبارت دیگر، اعتیاد یکی از علل کارتن خوابی و برای این دسته، علت اصلی بوده است. در حالی که برای کارگران مهاجر، بیکاری، مهاجرت و عدم تطابق با زندگی شهری، علل اصلی کارتن خوابی شان بوده است. همچنین، این پژوهش نشان‌دهنده آن است که کارتن خواب‌های غیرمعتاد نیز در معرض وابستگی به مواد و آسیب‌های اجتماعی دیگرند، و برخی از آنان طی کارتن خوابی مصرف کننده مواد شده‌اند.

در این پژوهش، عوامل اجتماعی کلان و ساختاری جامعه را می‌بینیم که به عنوان علل و زمینه ساز کارتن خوابی افراد و زمینه شکل دهی آن نقش دارند. بی‌سرنوشتی، فقر اقتصادی، بیکاری، مهاجرت، و طرد اجتماعی، همه ارتباط متقابل با یکدیگر داشته و یکدیگر را تشدید می‌کنند. در چنین شرایط ساختاری، برخی افراد برای اشتغال و کسب درآمد به مهاجرت دست می‌زنند. طرد اجتماعی می‌تواند به دنبال فقر و بیکاری، مهاجرت و به ویژه اعتیاد صورت گیرد. رکود اقتصادی، تورم افسار گسیخته و بی‌ثباتی اقتصادی، علاوه بر این که به فقر و بیکاری منجر می‌شود، به طور مستقیم توان مالی و قدرت خرید مردم را کاهش داده و آنان را به سطح پایین‌تری از فقر رانده، تا جایی که توان اجاره خانه و اطاق حتی در مناطق فقیرنشین شهر را هم نداشته و بی‌سرنوشت می‌شوند.

عوامل اجتماعی در سطح میانی، همچون خانواده، گروه و شبکه دوستان و هم‌تایان که خود از یک سو تحت تأثیر عوامل ساختاری و کلان بوده و از سوی دیگر از عاملیت‌های فردی و اعضای خود تأثیر می‌پذیرند، مستقیم و غیرمستقیم در کارتن خوابی و بی‌خانمانی عضو خود نقش دارند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که طرد اجتماعی، نابرابری‌های اجتماعی نهادینه شده، حاشیه‌نشینی، توسعه نیافتگی منطقه‌ای و سرزمینی، بستری را فراهم می‌کنند که در تعامل با شرایط علیتی، کارتن خوابی را شکل داده و آن را می‌سازند. توسعه نیافتگی منطقه‌ای بیشتر درباره کارتن خواب‌هایی که منشأ مهاجرت کارگری داشته صدق می‌کند. همچنین ناکارآمدی نظام رفاه اجتماعی و عدم مداخله به موقع و حمایت ناکافی این نظام در مراحل مختلف کارتن خوابی، از دیگر شرایط زمینه‌ای کارتن خوابی می‌باشد.

عوامل یا شرایط مداخله گر ضمن آنکه کارتن خوابی و پدیده محوری آن را تسریع و تشدید یا تضعیف و کند می‌سازند، بر راهبردهای افراد کارتن خواب هم مؤثرند. سیاست اجتماعی که دولت‌ها و حکومت‌ها وضع می‌کنند، همچنین نگرش‌ها و باورهایی که افراد کارتن خواب دارند؛ بر تجربه زیسته آنان، بر راهبردها و پیامدها و رفتارهای آنان تأثیر گذار می‌باشد. اگرچه سوء مصرف مواد را می‌توان یکی از علت‌های کارتن خوابی دانست، اما طبق یافته‌های این پژوهش، تجارت مواد مخدر، در دسترس بودن مواد و بازاریابی مصرف آن را می‌توان از عوامل تشدیدکننده کارتن خوابی (مداخله‌گر) دانست. به علاوه، این پژوهش نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی، توانایی‌ها و تاب‌آوری شخصی را می‌توان به مثابه عوامل تشدید کننده و تسریع کننده کارتن خوابی و راهبردها را بالعکس بازدارنده و تضعیف کننده آنها دانست.

نظریه حاصل (یا شاید بهتر باشد بگوییم **قضایای حاصل**) از این پژوهش حاکی از آن است که کارتن خوابی با **گسستگی** و **وابستگی** همراه است. گسستگی‌ها اغلب از جنس از دست دادن پیوندها، ارتباطات، حمایت‌هاست و در رابطه با خانواده، جامعه، حمایت‌های اجتماعی و منابع اجتماعی صورت می‌گیرد. وابستگی‌ها نیز اغلب از جنس

پیوندها و ارتباطات بوده اما به صورت وابستگی به حمایت‌ها و منابع جایگزین در قبال فقدان‌ها، بی‌پناهی و محرومیت‌هاست. در این پژوهش، وابستگی به مواد و پناه بردن به آن نیز در زمره این وابستگی‌ها شمرده شده است.

این گسستگی‌ها و وابستگی‌ها در بستری از تنش، محرومیت، درد و رنج، ابهام و نگرانی، تحمیل و انتخاب اجباری روی می‌دهد. از این رو، این شرایط برزخ گسستگی - وابستگی مفهوم سازی شد و به عنوان مقوله یا پدیده محوری برگزیده شد. این مفهوم بیانگر لایه‌های اجتماعی - روانی، فردی، گروهی و خانوادگی و ساختاری و کلان است.

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که کارتن خوابی پدیده‌ای اجتماعی است که عوامل اجتماعی ساختاری و کلان جامعه، زمینه آن را فراهم کرده و عوامل و وضعیت فردی و ویژگی‌هایی شخصیتی نیز در بروز آن نقش دارند. این دو دسته عوامل در تعاملی پیچیده این پدیده را شکل می‌دهند. شخص کارتن خواب در برخورد با کارتن خوابی خود و شرایط آن، راهبردهایی اتخاذ می‌کند و سعی در عملی کردن آنها دارد. این راهبردها ممکن است در جهت خروج از کارتن خوابی، یا تداوم کارتن خوابی و یا تسلیم و درماندگی باشد. بدیهی است هر راهبردی که اتخاذ کنند برای آنان پیامدهایی خواهد داشت که می‌تواند در جهت مثبت یا منفی باشد. مددکاری اجتماعی تلاش می‌کند در سه سطح؛ فردی (خرد)، گروهی (میانی) و ساختاری (کلان) و با توجه به ارتباط متقابل این سطوح و به شیوه‌ای منسجم به تحلیل پدیده‌ها و مشکلات و مسایل بپردازد. از این رو پژوهشگران، هم بر عوامل ساختاری، هم بر عوامل گروهی و خانوادگی و هم بر نقش فرد در کارتن خوابی پرداخته‌اند.

کارشناسان آسیب‌های اجتماعی معتقدند کارتن خوابی را نمی‌توان به کلی حذف یا ریشه کن کرد، چنان که تجربیات کشورهای دیگر نیز این را نشان می‌دهد، اما می‌توان کاهش داد و کنترل کرد. برای دستیابی به این هدف، در کنار مداخلاتی که در خصوص جمع آوری، ساماندهی و بعضاً توانمندسازی این افراد و همچنین کاهش آسیب این

پدیده صورت می‌گیرد، در راستای پیشگیری سطح دوم و سوم است، پیشگیری سطح اول و پیشگیری از بازتولید کارتن خوابی ضرورت دارد. این پژوهش هم راستا با پژوهش‌های دیگر نشان می‌دهد فقر، بیکاری، رکود و بی‌ثباتی اقتصادی، توسعه نیافتگی، محرومیت، حاشیه نشینی، نابرابری‌های اجتماعی عوامل زمینه ساز و مولد کارتن خواب هستند و اقدامات در سطوح دیگر پیشگیری، اگر به نتیجه مطلوب هم برسند، بدون پیشگیری اولیه و از بین بردن عوامل کلان و ساختاری، نا کافی بوده و این پدیده باز هم تولید می‌شود و به فرض برون‌رفت افراد کارتن خوب کنونی از این شرایط، افراد دیگر جای آنها را می‌گیرند و این پدیده به رشد خود ادامه می‌دهد. برای مبارزه با چنین عوامل کلان و ساختاری، نیاز به اقداماتی است که در قالب برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور صورت می‌گیرد. امید است این برنامه‌ها به اهداف خود نائل شده و عوامل بازتولید این معضل و دیگر آسیب‌های اجتماعی را حذف یا دست‌کم کاهش دهند. همچنین ضرورت دارد نظام رفاه اجتماعی به عنوان تور ایمنی دیگری، در جهت پیشگیری از کارتن خوابی، کاهش آسیب‌های این پدیده و برآوردن نیازی‌های حداقلی افراد کارتن خواب، تقویت و کارآمد گردد.

پیشنهادات

- پژوهشی: برنامه‌های متعددی در خصوص ساماندهی، توانمند سازی افراد کارتن خواب، طراحی و اجرا شده و یا در حال اجراست. اما کمتر پژوهشی یافت می‌شود که به ارزیابی این برنامه‌ها و مداخلات پرداخته باشد و نشان دهد که این برنامه‌ها چقدر توانسته‌اند به اهداف در نظر گرفته نایل شوند و چه تعداد افراد کارتن خواب، توانمند شده‌اند. پژوهش درباره ارزیابی این مداخلات و برنامه‌ها، کمک بزرگی به دست اندرکاران و سیاست‌گذاران اجتماعی در این حوزه است."

- اجرایی:

۱) شناسایی کردن کارتن خواب‌ها: اگر چه شناسایی کردن افراد به عنوان کارتن خواب می‌تواند منجر به هویت دهی به افراد کارتن خواب شود و این هویت دهی همانند انگ منفی عمل کرده و ممکن است حقوق شهروندی آنان را به خطر اندازد، ضمن آنکه با انتقادهایی، به ویژه از طرف کارتن خواب‌ها همراه شود؛ اما در جهت مدیریت کردن کارتن خوابی و با توجه به محدودیت منابع برای کمک به این افراد و توجه به شناور بودن جمعیت آنان، برای مسؤلان اجرایی چاره‌ای نمی‌ماند جز این‌که کارتن خواب‌های واقعی را شناسایی کرده و افزایش و کاهش جمعیت آنان را رصد کرده و بر اساس تعداد واقعی و وضعیت شان و با مشارکت آنان برنامه‌ریزی نموده و آنها را اجرایی نمایند. از این رو شناسایی کارتن خواب‌ها و شناسنامه دار کردن آنان ضروری می‌نماید.

۲) فرهنگ سازی در خصوص برخورد مردم با کارتن خواب‌ها: بهتر است این فعالیت را به ویژه سمن‌ها و خیریه‌ها برعهده گیرند و آگاهی عمومی را درباره کارتن خوابی و چگونگی برخورد با آنان بالا ببرند. همچنین آموزش دهند که مردم از برخورد احساسی، رفتار ترحم آمیز و دلسوزی نابجا، کمک‌های غیرکارشناسانه و وابسته سازی خودداری نمایند.

محدودیت‌های پژوهش: شناور بودن و جا بجایی کارتن خواب‌ها، پژوهش درباره آنان را دشوار می‌کند و به ویژه دسترسی مجدد به آنان را محدود می‌ساخت.

منابع

- استراوس، انسلم؛ کوربین، جولیت. (۱۳۹۲)، *مبانی پژوهش کیفی، نظریه زمینه‌ای*، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- باروز، روجر؛ پلیس، نیکلاس؛ کویلگارس، دبور. (۱۳۹۶)، *بی‌خانمانی و سیاست‌گذاری اجتماعی*، ترجمه: محمدخانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نخست.
- پروین، ستار؛ علی بابایی، یحیی. (۱۳۹۲)، *بررسی عملکرد شهرداری تهران و نقش مشارکت اجتماعی در حوزه مدیریت آسیب‌های اجتماعی شهری، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری*. (شهرداری تهران).
- دغاقله، عقیل؛ کلهر، سمیرا. (۱۳۸۹)، *آسیب‌های شهری در تهران، مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران*، انتشارات جامعه‌شناسان.
- © جوادی، سیدمحمدحسین؛ پیله‌وری، اعظم. (۱۳۹۶)، *بررسی تجربه زیسته مصرف‌کنندگان بی‌خانمان: پژوهش کیفی، فصلنامه اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد*، سال یازدهم، شماره چهل و یکم.
- زاهدی اصل، محمد. (۱۳۹۳)، *آسیب‌های اجتماعی از منظر مددکاری اجتماعی*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- سالارزاده امیری، نادر؛ بختیار، مهدی. (۱۳۹۰)، *بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر بی‌خانمان‌های شهر تهران*، (www-sid.ir).
- ستوده، هدایت اله. (۱۳۹۳)، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ بیست و سوم.
- سفیری، خدیجه؛ خادم، رسول. (۱۳۹۲)، *بررسی وضعیت امید به زندگی زنان بی‌خانمان شهر تهران، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ششم/شماره اول.
- صدیق سروستانی، رحمت‌اله؛ نصر اصفهانی، آرش. (۱۳۸۹)، *اعتیاد، طرد اجتماعی و کارتن‌خوابی در شهر تهران، پژوهش کیفی، مجله بررسی مسایل اجتماعی ایران*، سال اول، شماره چهارم.
- علیوردی‌نیا، اکبر. (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی کارتن‌خوابی*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول.
- غفاری، غلامرضا؛ تاج‌الدین، محمدباقر. (۱۳۸۴)، *شناسایی مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱۷.

فهم تجربه زیسته افراد کارتن خواب در شهر تهران ۲۶۱

- کلاتری، عبدالحسین و همکاران. (۱۳۹۲)، سیاست‌گذاری اجتماعی در مواجهه با پدیده کارتن خوابی، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- کوزر، لوئیس؛ روزنبرگ، برنارد. (۱۳۸۳)، *نظریه‌های جامعه‌شناختی*، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- کوئن، بروس. (۱۳۷۰)، *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر فرهنگ معاصر، چاپ اول.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲)، *روش تحقیق کیفی ضد روش ۱، منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی*، جلد ۱، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ دوم.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲)، *روش تحقیق کیفی ضد روش، مراحل و رویه‌های عملی*، جلد ۲، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ دوم.

- Beamer, Patricia Carole MS and Hodges, Sharon Ella MS. (2014). "Chronically Homeless: Services Needs".
<http://---scholarworks.lib.csucb.edu/etd>.
- Berger P and T Luckmann. (1967). "*The Social Construction of Reality*". Penguin. London
- Gatlin, Dallas W. (2014). "The Voice of the Homeless Adult Male: Perceptions of Those Who Have Successfully Transitioned to Self- Sufficiency", *Ed.D. Dissertations*. Paper 69.
- Glaser, B.G. and Strauss, A.L. (1967) "The Discovery of Grounded Theory: Strategies for *Qualitative Research*". Chicago, IL: Aldine
- Lindsey, McCarty. (2013). *Dissertation, "Homelessness and identity: a critical review of the literature and theory"*, Centre For Reginal Economic and Social Research, Sheffield Hallan University.
- Mayor, Rebecca C. (2011). "*African American Men Facing Homelessness and Co-occurring Disorders*", A Qualitative Investigation of Multiple Stigmas, Dissertation (2009).
- Mills, C. W. (1959). "*The Sociological Imagination*". London: Oxford University
- Morgan, William J. (2011). "Escaping From Homelessness", An interpretative phenomenological study. <http://go-warwick-ac.uk/wrap/44320>,

- Parker, Josie L. (2012). "Self – Concept of Homeless people in an urban setting: Process and Consequences of the Stigmatized Identity", <http://scholarworks.gsu.edu>.
- Philipps, Kaitlin. (2012). "**Homelessness: Causes, Culture and Community Development as a Solution**", http://digitalcommons.salve.edu/pell_theses/88.
- Ravenhill, Megan, Honor. (2014). "**The Culture of Homelessness: An ethnographic study**", published by proQuest LLC
- Robinson, Jennifer Leah. (2013). "**Youth Homelessness and Social Exclusion**", University of Waterloo, Ontario, Canada
- Thomas, Shemica Deborah. (2009). "**Predicting homeless people's use of outreach service programmes: Additional avenues and methodological issues explored**", School of Psychology, The University of Birmingham.
- Washington, Philisie Starling. (2009). "**A Grounded theory study of substance use patterns among homeless youth**", (Dissertation), University of Texas medical branch.